

«...دعواهای ما دعوایی نیست که برای خدا باشد ... همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوی ما برای خدا است ما برای مصالح اسلامی دعوا می‌کنیم... دعوی من و شما و همه کسانی که دعوا می‌کنند همه برای خودشان است...»

امام خمینی (ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹



سال سی و نهم ♦ شماره ۱۴ ♦ شماره مسلسل ۱۵۸۰ ♦ نیمه دوم مهرماه ۱۳۹۷ ♦ قیمت: ۵۰۰ تومان

به مناسبت درگذشت آیت الله آقا میرزا جواد غروی علیاری؛

خاندان علیاری

سید هادی خسروشاهی



آیت الله آقا میرزا جواد غروی علیاری از علمای تبریز، که دارای تألیفات و آثار متعددی بود و یکی از علماء و مدرسین معروف حوزوی در تهران به شمار می‌رفت، به رحمت حق پیوست.

سابقه آشنایی بیش از نیم قرن با ایشان موجب شد که ذکر خیری به عمل آید و ضمن اشاره به زندگی و عملکرد ایشان، نگاهی نیز به تاریخ و سابقه طولانی خاندان «علیاری» داشته باشیم.

آیت الله میرزا جواد غروی علیاری در سال ۱۳۱۳ هجری شمسی، در شهر تبریز، در خانواده‌ای معروف به علم و تقوی و فضیلت به دنیا آمد و در همان شهر به تحصیل مقدمات علوم پرداخت.

دوران تحصیلات

۱. در تبریز. ایشان از همان کودکی با جدیت به تحصیل پرداخت و دوره‌های مختلف علمی و اخلاقی را نزد والد بزرگوارشان و حضرات آقایان میرزا محمد آخوندی - میرزا عبدالرزاق مشک عبیری گذرانید.

۲. در نجف - ایشان حدود ۱۰ سال از عمر خود را در کنار حرم مقدس امیرالمؤمنین (ع) صرف تحصیل علم کرد و سطوح مختلف علمی را یکی پس از دیگری طی نمود و به قله رفیع استنباط دست یافت. اساتید ایشان در نجف اشرف عبارت بودند از آیات عظام: سید ابوالقاسم خویی، سید ابراهیم اصطهباناتی، سید مرتضی فیروز آبادی، سید نصرالله مستنبط، میرزا محمد قائینی، میرزا احمد علی توحیدی، آقا سید جعفر جزایری.

۳. در مشهد. آیت الله علیاری به علت جو نامساعد عراق به تهران آمد و با نظر والد معظمشان به شهر مقدس مشهد عزیمت نموده و حدود هفت سال در کنار حرم مطهر حضرت ثامن الائمه (ع) از محضر اساتید بزرگوار وقت مشهد، مانند حضرات آیات: سید هادی میلانی، شیخ احمد کفایی خراسانی، حاج شیخ مرتضی شاهرودی بهره برد.

۴. در قم. نامبرده با توجه به علاقه وافری که به استفاده از سرچشمه‌های علم و معرفت داشت با اینکه کوله باری از علوم و فنون به همراه داشت، به آشیانه آل محمد (ص) آمد و ۱۲ سال نیز در حوزه علمیه قم و از محضر اساتید بزرگوار این دیار استفاده نمود. که عبارت بودند از آیات عظام: حضرت امام خمینی، سید محمد رضا گلپایگانی، سید محمدکاظم شریعتمداری، سید شهاب الدین مرعشی نجفی، میرزا هاشم آملی، حاج شیخ محمدعلی اراکی، سید محمد محقق داماد، علامه بزرگوار سید محمد حسین طباطبایی.

... مرحوم آیت الله غروی علیاری از همان زمان تحصیل به تدریس سطوح عالییه پرداخت و پس از چند دوره متوالی که دروس فوق را تدریس نمود به تدریس خارج فقه و اصول پرداخت و در کنار دروس فوق از تدریس خصوصی فلسفه، عرفان، اخلاق، تفسیر نیز غافل نبود....

عزیمت به تهران

آیت الله علیاری در سال ۱۳۵۲ شمسی بنا به اصرار دوستان و علاقه‌مندان و با پشتیبانی مراجع وقت، از قم به تهران عزیمت نموده و در بدو ورود خود به تأسیس مدرسه و مسجد علمیه فاطمیه اقدام نمود و مشغول به تدریس و ترویج شعائر الهی گردید.

ادامه در صفحه ۴

رهبر معظم انقلاب:

مسئولان هیچ
رازی را از مردم
پنهان نکنند

صفحه ۸

حجت الاسلام دکتر مبلنی:

«وحدت»
مقدمه اقامه
عدالت است

صفحه ۷



در نشست «بررسی شیوه نهادسازی امام موسی صدر» عنوان شد:

تلاش امام موسی صدر
برای تکمیل کار ناتمام
سید جمال الدین اسدآبادی

صفحه ۵

بن سلمان و جنایتی بزرگتر از قتل خاشقچی

طوفان قاطعیت نام نهاده‌اند، در حال تخریب زیرساخت‌ها و کشتار ملت یمن هستند. البته طوفانی که به راه انداختند هرگز نتوانست مبارزان یمنی را از پای درآورد. پهبادهای یمنی، در همین روزهای اخیر بارها علیه دشمن متجاوز عملیات کرده‌اند و هیچ نشانی از میل به تسلیم در آنها نیست. موشک‌های یمنی نیز به سوی مواضع مزدوران سعودی شلیک می‌شوند و تک‌تیراندازان هرجا دستشان به مزدوران سعودی برسد، از شلیک دریغ نمی‌کنند.



فارس - علیرضا کریمی: خبرنگار حوزه بین‌الملل که باشید، در دو هفته اخیر بیش از هر نامی، نام «جمال خاشقچی» را شنیده‌اید. رسانه‌های بزرگ و کوچک دنیا، به نوبت و بعضاً با هم، در حال ارائه اطلاعات جدید از ماجرای قتل این روزنامه‌نگار منتقد رژیم سعودی هستند که برای انجام مراحل اداری ازدواجش پای به کنسول‌گری عربستان سعودی در شهر استانبول ترکیه نهاد، اما هرگز از آن خارج نشد.

هرچند به نظر می‌رسد امثال «دونالد ترامپ»، رئیس‌جمهور آمریکا قصد داشته باشند با ارتباط دادن قتل خاشقچی به عناوینی چون «قاتلان خودسر»، مقامات ارشد رژیم سعودی را از این جنایت تبرئه کنند اما هنوز هم در افکار عمومی، متهم ردیف اول آنچه در استانبول رخ داده، «محمد بن سلمان»، ولی‌عهد رژیم سعودی است. دست‌کم رسانه‌های جریان غالب آمریکایی ابایی از متهم کردن وی به دست داشتن در این قتل ندارند.

در اینکه آنچه بر جمال خاشقچی گذشته جنایت است، تردیدی نیست و باز هم تردیدی نیست که چنین اقدامی نمی‌توانسته بدون هماهنگی با سردمدار دوقلوی این روزهای عربستان سعودی یعنی محمد بن سلمان رخ دهد؛ برخی متهمین این قتل، نزدیکان بن سلمان برشمرده شده‌اند. اما سوال اینجاست، چه باعث شده ولی‌عهد سعودی و تیم حکومتی او تا این حد در جنایت جرات پیدا کنند؟!

صرفاً به همین بُعد از ماجرا دقت کنیم: «روزنامه» «ینی شفق» که ارتباط نزدیکی با حزب حاکم ترکیه دارد، به نقل از منابع آگاه نوشته سرویس اطلاعاتی ترکیه چندین فایل ضبط شده در اختیار دارد که جزئیات قتل خاشقچی را روشن می‌کند. این منابع مدعی شده‌اند که سعودی‌ها هنگام شکنجه ابتدا انگشتان خاشقچی را بریده‌اند و بعداً او را کشته و تکه تکه کرده‌اند. در بخش دیگری از فایل صوتی شنیده می‌شود که عتیبی خطاب به شکنجه‌گران می‌گوید: «این کار را بیرون [اتاق من] انجام دهید. مرا به درد سر می‌اندازید.»

نگاهی به سابقه سیاست‌ورزی ولی‌عهد عربستان سعودی نشان می‌دهد که او پیش از اینکه کمر به قتل منتقد سیاسی خود در خارج از مرزهای عربستان ببندد، جنایاتی بس بزرگ‌تر از این علیه یک ملت صورت داده است و با کمال تاسف، جنایاتش نه تنها تقبیح نشده، بلکه تشویق شده است. چهار سال است که سعودی‌ها در چارچوب آنچه «عملیات

ریاض اما که ثابت کرده از پس مبارزان یمنی بر نمی‌آید به‌گونه‌ای دیگر خواسته تا قدرت خود را به رخ مردم یکی از فقیرترین کشورهای منطقه بکشد. جنگنده‌های سعودی از کشتار مردم یمن دست نمی‌کشند اما این تنها بخشی از ماجراست. محاصره یمن و جلوگیری از رسیدن کمک به مردم این کشور، بنابر آمارهای بین‌المللی ۱۲ میلیون نفر را در معرض قحطی قرار داده است. حتی رسانه‌های غربی نیز بعضاً صدایشان در برابر این شرایط غیرانسانی درآمده است. «فرهان حق»، سخنگوی سازمان ملل متحد، شرایط را در یمن چنین تصویر کرده است: «بدترین شرایط انسانی دنیا در یمن است و ۲۲٫۲ میلیون نفر از مردم این کشور، نیاز مبرم به کمک دارند.» وسعت جنایات سعودی‌ها در یمن فراتر از آن است که بخواهد در یک یادداشت کوتاه مورد بررسی عمیق و دقیق قرار گیرد اما دست یافتن به ابعاد آن با یک جستجوی ساده اینترنتی میسر است. اما رژیم سعودی برای ایجاد این بدترین شرایط انسانی برای مردم یمن، چه هزینه‌ای پرداخته؟ پاسخ این است: «دقیقاً هیچ». نه تنها هزینه‌ای نپرداخته، بلکه با مستمسک قرار دادن تلاش برای تحدید نفوذ ایران در منطقه، قراردادهای نظامی متعدد با ایالات متحده امضا کرده است، قراردادهایی که رئیس‌جمهور آمریکا می‌گوید حاضر نیست در آنها تجدید نظری بکند.

جنایتی که در استانبول رخ داد، بدون مقدمه شکل نگرفت. بن سلمان آن قدر که جنایت کرد و پاسخ ندید، در پیش فهم‌های خود به این نتیجه رسید که هزینه‌ای برای قساوتش وجود ندارد و این پیش فهم را به حوزه منتقدان سیاسی خود نیز تسری داد. جهان اگر این پیش فهم ولی‌عهد ماجراجوی سعودی را با اقدامات متناسب و پرقدرت اصلاح نکند، می‌تواند شاهد فجایع بیشتری هم باشد و همه اینها البته یک پیش شرط دارد: «نباید در تحقیقات مربوط به قتل خاشقچی، زد و بندی صورت بگیرد.»

اشاره: سی و یکم تیرماه سالروز وفات آیت الله العظمی ملاعلی معصومی همدانی (۱۳۹۸/۱۳۱۲ ه.ق) معروف به آخوند همدانی یکی از فقهای نامدار و فرزانه و یکی از فرزندان فقیه در قرن چهاردهم هجری قمری می باشد. او همانند هم دوره های معاصر خویش یکی از تربیت یافتگان حوزه آیت الله العظمی حائری و یکی از نخستین فارغ التحصیلان آن حوزه مقدسه بشمار می آید که پس از بازگشت به همدان به احیای حوزه علمیه آن دیار پرداخت و شاگردان برجسته ای را تربیت کرد که هریک منشأ برکات بسیاری در آن دیار و کل کشور بوده اند. بدین مناسبت به معرفی حوزه علمیه همدان و علمای معاصر آن می پردازیم:

قدمت حوزه همدان

قدمت همدان به بیش از سه هزار سال پیش برمی گردد. همدان شهری است که علما و بزرگان در آن جا حضور علمی و اجتماعی داشته و یا به آن جا رفت و آمد می کردند. بوعلی سینا، در هزار سال پیش به مدت هفت سال در این شهر سکونت داشته و در آن جا به تدریس و تعلیم شاگردان مشغول بوده است. همین طور بدیع الزمان همدانی که عالمی بزرگ بود و شاگردان زیادی هم تربیت نمود، در همدان ساکن بوده است.

گفته شده شهر همدان آدم های چیزفهم زیاد دارد، به خاطر همین از قدیم به آن «همه دان» گفته اند که بعداً همدان شده است. این موضوع را می توان در بافت اجتماعی و فرهنگی شهر نیز مشاهده کرد، مذهب و علم در بیشتر محله های همدان رسوخ و نفوذ عمیق و علمی دارد و دارای مردم متدین و خوبی هم هست. به همین خاطر حوزه علمیه همدان نیز سابقه طولانی دارد و در دوره های مختلف همواره مرکز علم و تحقیق و محل درس و بحث علمی بوده و عالمان زیادی از آن برخاسته اند. مهمترین مدارس علمیه این شهر به قرار زیر است:

۱. مدرسه آخوند

مدرسه علمیه آخوند یا مدرسه آقای آخوند معروفترین مدرسه علمیه در شهر همدان است و در سال ۱۲۵۳ هجری قمری توسط ملا حسین اردستانی تاسیس شده و به همین جهت به عنوان مدرسه آخوند شهرت یافته است. سپس به دست آیت الله آخوند ملاعلی معصومی همدانی بازسازی گردیده و توسعه یافته است.

این مدرسه دارای دو قسمت بیرونی و اندرونی و ۲۵ حجره می باشد. کتابخانه مدرسه بیش از ۱۵ هزار جلد کتاب دارد که تعداد ۳۰۰۰ جلد آن کتاب خطی نفیس است.

یکی از محققان در باره این مدرسه می گویند: «موسس مدرسه علمیه آیت الله آخوند در شهر همدان، آیت الله ملا حسین اردستانی در سال ۱۲۵۳ هجری قمری بوده که بعد از فوت ایشان و با ورود آیت الله ملاعلی معصومی همدانی معروف به آخوند همدانی به شهر همدان و توسعه این مدرسه ازسوی این عالم ربانی نام این مدرسه به مدرسه علمیه آیت الله ملا علی معصومی همدانی تغییر پیدا کرد.

به گفته ایشان آیت الله آخوند اردستانی در همدان فعالیت های فراوانی داشته و کرسی تبلیغ و تدریس علوم دینی را در همدان رنگ و بویی تازه داده بود، پیکر مظهر این عالم نورانی در یکی از حجره های ورودی مسجد جامع شهر همدان دفن شده است. این محقق همدانی ابراز کرد: آیت الله ملا علی معصومی معروف به آخوند همدانی با نامه مستقیم شیخ عبدالکریم حائری یزدی، موسس

علما و حوزه علمیه همدان

صورت مختصر معرفی می گردند:

۱. میرزا محمد دریایی جولانی

نام فامیلی او «دریایی» بود. جولان، یکی از محله های همدان است و چون ایشان از این محله بود به همین خاطر، «جولانی» هم به ایشان می گفتند. او تحصیل کرده نجف بود. بعد در همدان حوزه درسی تشکیل داد و در زمان خودش از علمای درجه اول همدان به شمار می آمد. رساله مختصری هم از وی به چاپ رسید. من حیث المجموع مرد بسیار فاضلی بود. وقتی از دنیا رفت تمام شهر تعطیل شد و تشییع جنازه بسیار با بهت و با عظمتی برایش برگزار کردند. وی پسری به نام «میرزا اسدالله» داشت. ایشان نیز از علمای همدان شمرده می شد. در قم تحصیل کرد و از شاگردان حاج شیخ عبدالکریم حائری به



حساب می آمد و از نظر سنی از مرحوم آخوند هم بزرگ تر بود و به «امیرزا اسدالله حجت» معروف بود.

وقتی به همدان رفت از نظر مالی وضعیت خوبی نداشت. به ناچار دفتر ازدواج باز کرد و این امر به موقعیت اجتماعی او ضربه زد؛ زیرا در آن ایام اگر کسی محضردار می شد، مردم او را با حکومت طاغوت مرتبط می دانستند و در اذهان مردم از عدالت ساقط می شد. به همین خاطر پس از درگذشت پدر، وقتی به اقامه نماز در مسجد پدرشان پرداخت، مردم چندان استقبال نکردند.

۲. حاج شیخ علی دامغانی

ایشان اگرچه در اصل، دامغانی بود ولی در همدان زندگی می کرد. تحصیل کرده نجف و شخص وارسته و محل مراجعه مردم بود. در اخبار، احادیث و تاریخ، اشراف خوبی داشت، ولی در مسائل بحثی وارد نمی شد و در تدریس هم چندان مهارت نداشت، گرچه تدریس هم می کرد و چند نفری شاگرد هم داشت. با این حال بیشتر به تقدس شهرت پیدا کرده بود.

در ایام ستم شاهی نماز جمعه را اقامه می کرد و مردم همدان نیز در آن شرکت می کردند که خیلی هم شلوغ می شد. دو تا از پسرهای ایشان طلبه و اهل علم شدند. یکی از آنان آقای «حاج شیخ محمدعلی عالمی دامغانی» است که تحصیل کرده حوزه قم بود و درس حاج شیخ عبدالکریم را درک کرده بود. بعد به همدان رفته و تدریس هم داشت. وقتی پدرش مرحوم حاج شیخ علی دامغانی از دنیا رفت، مقبره ای تاسیس کرد و اطراف آن، حجره هایی برای طلاب علوم دینی ساخت که بعداً این محل به مدرسه دامغانی معروف شد.

۳. شیخ باقر بهاری

ایشان نیز یکی از علمای سرشناس همدان بود و فعالیت مذهبی فراوان و گسترده ای داشت. مرد فاضل، وارسته، شجاع و قاطعی بود. این عالم بزرگوار با این که در عهد ناصرالدین شاه زندگی می کرد، هرگز به دستگاه طاغوت باج نداد و از حریت و آزادمردی خاصی برخوردار بود، به طوری که در آن ایام خودش حد شرعی اجرا می کرد.

پسر وی، آقای شیخ محمدحسین بهاری همدانی، از شاگردان مرحوم آخوند ملاعلی همدانی بود و در مدرسه آخوند هم تدریس داشت. وقتی پدرش از دنیا رفت، کتاب های او را به چاپ رسانید. یکی از آثار مرحوم شیخ باقر پیرامون حضرت سیدالشهدا علیه السلام است. ایشان کتاب فقهی نیز دارد.

شیخ محمدحسین بهاری گویا مدتی هم به قم آمده و در آن جا به تحصیلات خود ادامه داده و پس از اندکی دوباره به همدان بازگشته است. او فردی پرکار و پرتلاش در تحصیل علم و تقوا بود. در یکی از مساجد همدان، به اقامه جماعت می پرداخت و اغلب در مدرسه آخوند به تدریس اشتغال داشت و شب ها نیز در همان مدرسه می خوابید.

۴. آیت الله ملاعلی معصومی همدانی

او در سال ۱۲۱۲ ه.ق در یکی از قراء همدان به نام «وفس» به دنیا آمد. او تحصیلات مقدماتی و مبادی علوم را پیش ملا محمدتقی ثابتی آموخت و پس از طی آن مراحل به عنوان ادامه تحصیلات خویش در اوائل نوجوانی عازم همدان شد و نزد اساتید و علمای بزرگ آن روز همدان، به یادگیری نحو و منطق و معانی و بیان و علم اصول فقه پرداخت و سپس برای تکمیل مراتب علمی و مدارج کلام و فلسفه و علوم متعالیه و ریاضیات و هیئت به حوزه علمیه تهران که در آن زمان جزو غنی ترین مراکز حوزوی به شمار می رفت، رهسپار گردید و در آن جا حدود پنج سال از محضر اساتید فن، به ویژه حکیم و عارف هیدجی و مرحوم شیخ عبدالنبی نوری استفاده کرد و تحت تربیت روحی حکیم هیدجی قرار گرفت.

پس از ورود آیت الله العظمی حائری به قم در سال ۱۳۴۰ ه.ق، همانند بسیاری از فضلا و مدرسین شهرستان ها به قم عزیمت نمود و به تعلیم و فراگرفتن علوم اسلامی پیش آن دانشمند بزرگ پرداخت و ده سال تمام در قم سکونت ورزید تا به مراحل عالیه اجتهاد و فقاقت نائل آمد.

او به علت داشتن استعداد بارز و سعی و تلاش فراوان، اراده محکم، حافظه قوی و اخلاق حسنه و رفتار نیک اسلامی، یکی از شاگردان مورد توجه و عنایت استاد بوده اند. ایشان با حضرت امام در درس حاج شیخ حاضر می شدند و با هم ارتباط نزدیک و صمیمی هم داشتند. این دو از نظر علمی و تقوایی به همدیگر اعتقاد داشتند، ولی از جهت مسائل انقلاب و مبارزه با شاه با هم اختلاف نظر پیدا کردند، اما در عین حال برای همدیگر احترام قائل بودند.

گفته شده درباره انقلاب مرحوم آخوند به امام پیام فرستادند که: «ابوذر! دیگر بس کن» و این نشان می داد که حضرت امام را همانند ابوذر می دانست. امام هم در جواب پیام داده بود: ای سلمان! حرکت کن. او همچنین یکی از مدرسین سرشناس و یکی از اساتید معتبر و نامور حوزه علمیه قم گردید و حوزه درسی او که شرح لمعه شهیدین را شامل می گشت یکی از حوزه های پرجمعیت آن روز گردید و جمع گرم و پرجاذبه ای را به خود اختصاص داد.

در سال ۱۳۵۰ ه.ق، وقتی مردم همدان از محضر موسس حوزه علمیه قم تقاضا می نمایند که آخوند ملا علی را به سرپرستی حوزه علمیه همدان به آن شهر برگردانند، مرحوم آیت الله حائری با توجه به نیاز مبرم منطقه غرب کشور، پیشنهاد آنان را با سختی می پذیرد و به آنان می فرماید: من مجتهد عادل را برای سرپرستی شما مردم همدان فرستادم.

ادامه در صفحه بعد

با این که در آن ایام در شهر همدان شخصیت‌های بزرگ علمی و فقهی و اجتماعی همچون مرحوم آیت‌الله حاج میرزا محمد جولائی و حاج شیخ علی دامغانی و مرحوم سید نصرالله بنی‌صدر... زندگی می‌کردند، ولی در اثر حسن خلق و تدبیر و علم وافر مرحوم آخوند معصومی، زعامت امور دینی مردم به صورت طبیعی به عهده ایشان قرار گرفت.

معظم‌له جهت فعالیت علمی خویش مدرسه مخروبه آخوند ملا حسین را تجدید بنا نمود و خود در آن مدرسه مشغول تدریس طلاب گردید و جمعی از شیفتگان معارف اهل بیت علیهم السلام را دور خود گرد آورد. علاوه بر مقام فقهی و اصولی کم‌نظیرشان، با استفاده از حافظه قوی و نیرومند خویش در شناخت رجال حدیث و آشنائی با معارف قرآن نیز میرز بودند. همیشه در مباحث تاریخی و فلسفی و رجال، سخن نو و تازه‌ای داشتند.

محاسن اخلاقی و ویژگی‌های کمالی ایشان فوق‌العاده فراوان بود و به جهت همین خصوصیات بود که در اندک مدت هم محبوب خاص و عام گردید، به حدی که اقلیت‌های مذهبی شهر نیز او را از صمیم قلب دوست می‌داشتند و با او در مسائل انسانی تشریک مساعی می‌نمودند.

او زاهد واقعی به تمام معنی کلمه بود و این زهد و بی‌اعتنائی به مال و جاه را از مکتب انسان‌ساز استادش مرحوم آیت‌الله حائری فراگرفته بود و هرگز خود را اسیر دنیا ننمود و همواره سعی داشت زندگی بسیار متعارف و معمولی را داشته باشد و از حداقل معیشت برخوردار باشد و از تجمل و اعتبارات ظاهری گریزان بود. مرحوم آیت‌الله آخوند معصومی، مرد خدا، اهل دعا، حلیف خلوت و جلیس تهجد و انیس جلوت بود و این سیر و سلوک باطنی و عرفانی را از استاد بزرگوارش مرحوم عارف ربانی و سالک صمدانی، آقای حاج میرزا جواد آقا ملکی تبریزی فراگرفته بود.

استادی که همیشه به او ارادت می‌ورزید و ذکر جمیلش، همیشه بر سر زبانش بود. او در صدر منبر و خطابه، همانند منابر مرحوم حاج شیخ جعفر شوشتری از جذبه خاصی برخوردار بود و مستمع را تحت تاثیر بیانات سبحانی خود قرار می‌داد. او در ایام ماه رمضان در مسجدی که در جوار منزل وی و نزدیکی‌های مقبره باباطاهر در همدان قرار داشت، اغلب از نهج البلاغه سخن می‌گفت.

وقتی خطبه همام را با آن لحن سوزان و بیان شافی از عمق دل بیان می‌داشت، هم خود در بالای منبر گریان بود و هم صدای شیون حضار از پای منبر به آسمان بلند می‌شد. مسجد یکسره ناله بود و زاری و سوز و گداز و نوعاً منبر ایشان یک ساعت و نیم یا دو ساعت بدون ایجاد خستگی به درازا می‌کشید. مسجد او مآمال از جمعیت بود. از محضر او جمع کثیری از پویندگان معارف اسلامی بهره‌جسته‌اند و تدریس ایشان از سال ۱۳۴۰ هـ.ق تا اواخر عمر که سال ۱۳۹۸ بوده باشد. ادامه یافته است یعنی درست به مدت ۵۸ سال مدام در حال تدریس و پرورش طالبان علم بوده‌اند.

تدریس ایشان در اواخر مختص تفسیر، فقه و اصول بود و از جمع شاگردان فراوان ایشان می‌توان: آیت‌الله حاج سید محمود طالقانی؛ آیت‌الله شهید دکتر محمد مفتاح و آیت‌الله حاج شیخ حسین نوری همدانی را نام برد. چنان که با توجه به اشتغالات فراوان مرجعیت و گرفتاری‌های وقت‌گیر آن، که مجال تالیف و تصنیف را سلب می‌نمود در عین حال ایشان در ایام فراغت به تالیف و تحقیق نیز پرداخته‌اند که متأسفانه هیچکدام به زیور طبع آراسته نشده‌اند.

همچنین آثار فرهنگی و اجتماعی متعددی از آن عالم ربانی به یادگار مانده است که به باقیات صالحات ایشان به شمار می‌رود.

سرانجام این عالم بزرگ و مرجع عالیقدر منطقه

غرب کشور، پس از یک بیماری شدید که جهت مداوا به انگلستان برده شد، در ۱۳۵۷/۴/۳۱، مطابق شعبان ۱۳۹۸ دیده از جهان فروبست. پیکر پاکش جهت دفن به همدان انتقال داده شد و در مسیر راه به همدان، با استقبال و احترام فوق‌العاده مردم روبرو شد و در همدان تشییع فوق‌العاده و باشکوهی از جنازه ایشان به عمل آمد و دوستداران انقلاب اسلامی، به برکت این پیکر شریف، تظاهرات وسیعی را بر ضد رژیم طاغوت راه انداختند. پیکر پاکش در قبرستان عمومی شهر مدفون گردید.

۵. میرزا محمد ثابتی همدانی

ایشان معروف به «میرزا» است و از دوستان صمیمی مرحوم آخوند ملاعلی بود. از کودکی و نوجوانی با هم بزرگ شدند. در حوزه تهران هم با هم درس خواندند، بعد به قم رفتند و در درس حاج شیخ موسس حوزه شرکت می‌کردند. میرزا از مدرسان سرشناس قم بود و بعد از رحلت حاج شیخ عبدالکریم در زمره اساتید درجه یک قرار گرفت. برخی از آقایان که هنوز زنده هستند نقل می‌کنند، وقتی درس حاج شیخ تمام می‌شد حدود صد و پنجاه نفر از شاگردان ایشان به درس میرزا محمد ثابتی می‌رفتند.

او از نظر علمی مقام والایی داشت. او در قم به «میرزای همدانی» و در همدان به «میرزای قمی» معروف بود، استعداد بسیار درخشانی داشته و بسیار هم مطالعه می‌کرد. می‌گویند هنگامی که در روستا چهار سال بیشتر نداشت تمام قرآن را نزد پدرش قرائت کرده و به خاطر سپرده بود.

میرزای همدانی پس از رحلت حاج شیخ عبدالکریم به همدان رفت و در آن جا حوزه درسی به راه انداخت. در همدان به مدت ده سال تدریس مکاسب و رسائل و کفایه می‌فرمود. دلیل رفتن وی از قم این بود که اعتقاد داشت حوزه بعد از حاج شیخ، رو به ضعف است؛ از سوی دیگر، وضعیت مالی خوبی نداشت و زن و فرزندانش به سختی زندگی می‌کردند. وقتی به همدان رفت.

۶. سید محمد جلالی

ایشان سیدی بزرگوار و از علمای سرشناس همدان بود، عالمی وارسته و در عین حال بسیار شوخ طبع بود، کم حرف می‌زد ولی وقتی صحبت می‌کرد بسیار خوش مشرب و خوش بیان بود. وی از رفقای قدیمی حضرت امام به شمار می‌آمد و زمانی که در قم ساکن بود با ایشان ارتباط نزدیک داشت و از ارادتمندان امام بود، وقتی به همدان بازگشت؛ در محله خود ساکن شد و در یکی از شبستان‌های مسجد جامع همدان به اقامه جماعت پرداخت، به طوری که نماز جماعتش یکی از شلوغ‌ترین نمازها به شمار می‌آمد؛ به خصوص در ماه مبارک رمضان که بیشتر مردم به ایشان اقتدا می‌کردند.

۷. حاج سید مصطفی هاشمی

ایشان از شاگردان خاص مرحوم آخوند ملاعلی بود. پس از رحلت آخوند، همه اعتقاد داشتند که می‌تواند جای مرحوم استادش را پر کند، از خیلی جهات شبیه آخوند بود. بعد از استادش درس خارج شروع کرد؛ البته در زمان حیات ایشان هم این قدرت را داشت ولی به احترام استاد وارد این حرم نمی‌شد. زمانی که قرار شد تولیت و سرپرستی حوزه علمیه همدان را بر عهده بگیرد، اجل مهلت نداده و پس از دو سال از رحلت استادش دچار کسالت شد و رحلت کرد.

۸. آقایان انصاری‌ها

دو تن از علمای همدان که با هم پسرعمو و معروف به «انصاری» بودند. یکی آقای حاج شیخ علی انصاری همدانی و دیگری آقای حاج شیخ رضا انصاری بودند. هر دو از مدرسان حوزه همدان به شمار می‌آمدند و سطح متوسط و کفایه تدریس می‌کردند، شاگردان زیادی هم تربیت کردند. حاج شیخ رضا در میانسالی مبتلا به سرطان شد و از دنیا رفت.

۹. حاج موسی خوانساری

ایشان نماینده آیت‌الله خویی در همدان بود و از طرف آقای خویی به طلاب همدان شهریه می‌داد و خودش هم در مسجد جامع نماز جماعت اقامه می‌کرد. برادرش حاج آقا جواد، در تهران ساکن شده و هر دو فرزند مرحوم سیدحسن خوانساری می‌باشند. پدرشان مرد عابد و از تحصیل‌کرده‌های حوزه نجف بود و عابدان و زاهدان معروفی از اطراف و اکناف برایش نامه می‌نوشتند و درخواست ورد و ذکر می‌کردند؛ به ویژه در ماه مبارک رمضان که گفته شده بایستی از ساعت‌ها قبل در صف نماز مسجد جانماز پهن کرد و آن را به گلیم کف مسجد سنجاق نمود تا بتوان جایی را برای نماز خواندن گرفت.

۱۰. حاج میرزا حسن رازینی

ایشان نیز از علمای مومن و متدین همدان بود. نخست در شهر همدان سکونت داشت، اما بعد به روستاهای اطراف همدان نقل مکان کرد. پنج فرزند پسر داشت که همه آن‌ها به قم آمدند و مشغول تحصیل علوم اسلامی شدند.

۱۱. حاج شیخ محمد انواری

از علمای معروف همدان و تحصیل‌کرده نجف است و مرد بسیار مخلص، نورانی و اهل تقوا بود. خاندان این مرد بزرگ نیز همه اهل علم بودند. او جد مادری آقای حاج شیخ محی‌الدین انواری است و در دوران ستم‌شاهی از مبارزان معروف بود که به جرم همکاری با هیأت‌های موافقه اسلامی حدود دوازده سال در زندان‌های مختلف شاه به سر برد.

شیخ محمد در همدان مسجدی داشت که در آن جا نماز اقامه می‌کرد و منبر هم می‌رفت. پای منبرش همیشه شلوغ می‌شد. او نیز شبیه مرحوم آخوند وقتی بالای منبر، وعظ و نصیحت می‌کرد، خودش می‌گریست و از محاسنش قطرات اشک جاری می‌شد.

۱۲. حاج شیخ حیدر

ایشان نیز تحصیل‌کرده حوزه نجف و انسانی وارسته و فاضل بود. گویا وی را از نجف به همدان دعوت کرده بودند و هنگام ورودش به شهر استقبال باشکوهی هم انجام گرفته بود. وی پدرزن شهید مفتاح بود و در مسجدی در محله عباس آباد اقامه نماز می‌کرد.

۱۳. آیت‌الله سید نصرالله بنی‌صدر

پدر آقای سید نصرالله، مرد امین و درست‌کاری بود، به همین خاطر در نزد خان منطقه، پیش‌کار بود. سید نصرالله به پیشنهاد خان و با همت پدرش راهی نجف اشرف می‌شود. چند سالی در آن جا تحصیل می‌کند. وقتی برمی‌گردد خان، دختر خودش را به عقد او درمی‌آورد. خود سید نصرالله هم آدم زرنگی بوده، علاوه بر تحصیل علم و فضل وقتی به همدان می‌آید در معامله و خرید و فروش املاک هم فعالیت می‌کند. از سوی دیگر پس از فوت خان، مقدار زیادی املاک به همسرش می‌رسد. به این ترتیب وی از سرمایه‌داران بزرگ یا سرمایه‌دار اول همدان به شمار می‌آمد، بذل و بخشش فراوان هم داشت. شاگردانی که درس آقای سید نصرالله بنی‌صدر را درک کرده بودند، نقل کردند: وقتی در درس مکاسب و رسائل و کفایه ایشان حاضر می‌شدند، دیده بودند که وی تقریرات و نوشته‌هایی از درس‌های مرحوم آقاضیاء عراقی و مرحوم آقای نائینی را به سر درس می‌آورده و از آن‌ها استفاده می‌کرده است. دیگران هم معتقد بودند که ایشان مرد فاضل و باسوادی است، اما در این اواخر از تدریس فاصله گرفت و بیشتر به امور اجتماعی مردم می‌پرداخت. ایشان طی مدت حضور و فعالیتش در همدان، خدمات زیادی انجام داد؛ از جمله مدرسه زنگنه را که تقریباً تخریب شده بود از دولت گرفت و بازسازی کرد و در اختیار طلاب، فضلا و حوزه قرار داد. چون این مدرسه در عصر رضاخان تصرف شده و به دبستان

و دبیرستان دخترانه تبدیل گردیده بود. سپس خودش به همراه برخی از تحصیل‌کرده‌های نجف مثل آقای شاهنجرانی در آن جا مشغول تدریس شدند و آن جا را رونق دادند. به علاوه این مدرسه موقوفاتی داشت که رژیم شاه آن‌ها را تصرف کرده بود. او همه را از دولت گرفت و از طریق درآمد این موقوفات به طلاب شهریه داد و حوزه همدان را سروسامانی بخشید.

۱۴. حاج میرزا ابوالقاسم ربانی شاهنجرانی

ایشان هم عصر مرحوم آخوند و آقای بنی‌صدر بود. در نجف تحصیل کرده بود و مرد باسواد و فاضلی به شمار می‌آمد. در مدیریت مدرسه زنگنه با آقای سید نصرالله بنی‌صدر همکاری مستمر داشت؛ یعنی هم در آن جا تدریس می‌کرد و هم ریاست و مدیریت مدرسه را بر عهده داشت. وی از اهالی روستای شاهنجران در نزدیکی همدان است، این روستا در حدود سی کیلومتری شرق همدان قرار دارد و دارای آب و هوای بسیار مناسب می‌باشد.

۱۵. حاج تقی ایزدی

از علمای معروف و از مبلغان و سخنرانان بسیار عالی همدان بود؛ در عین حال متمول بود و ثروت زیادی داشت. ایشان تنها عالمی است که همه دوران تحصیلات را در همدان گذراند و بیشتر از محضر حاج شیخ علی دامغانی استفاده کرد. بسیار خوب درس خوانده بود و کتاب شرح لمعه و بالاتر را می‌توانست تدریس کند. بسیار اهل مطالعه بود و کتاب مصباح الفقیه آقا رضا همدانی را مرتب مطالعه می‌کرد. با این که در بازار تجارت حضور فعال داشت، در کنار آن به درس‌های حوزوی ادامه داده و به طور خیلی جدی درس‌ها را فرا گرفته بود. یکی از منبری‌های خوب و موفق همدان به شمار می‌آمد و مطالب خاصی برای مردم بیان می‌کرد.

۱۶. حاج جواد انصاری

ایشان در همدان حضور داشت و به عنوان مرشد کامل شناخته می‌شد. شاگردانی هم داشت که بعضی منابر و مجالس را در دست داشتند؛ از جمله آقای شهید دستغیب در شیراز یا آقای سید محمد حسینی تهرانی در مشهد از شاگردان او به شمار می‌رفتند. آنان اغلب خط اصلی را از حاج جواد انصاری می‌گرفتند. مریدانش از شهرهای مختلف به همدان می‌آمدند و پای مواعظ و سخنانش می‌نشستند.

۱۷. شیخ محمدتقی دامغانی عالمی

ایشان دومین پسر حاج علی دامغانی بود. نخست نزد برادرش شیخ محمدعلی دامغانی درس خواند، بعد به قم آمد و به درس رسائل و مکاسب مشغول شد، مدتی هم به درس خارج حضرت امام رفت. مدتی در مدرسه فیضیه ساکن بود، بعد ازدواج کرد و از مدرسه رفت. بیش از چهار سال در قم نماند و به همدان بازگشت؛ چون آب و هوای قم با وی سازگاری نداشت.

در جریان انقلاب اولین کسی بود که صدای نهضت امام خمینی را در همدان به گوش مردم رساند، بسیار شجاع بود، بر بالای منبر خیلی صریح مسائل را مطرح می‌کرد. محل سخنرانی وی مسجد پیغمبر همدان بود که ملو از جمعیت می‌شد و در همان جا نماز می‌خواند؛ حتی در این راه دستگیر و زندان و تبعید هم شد. اما متأسفانه پس از پیروزی انقلاب عاقبت خوبی پیدا نکرد و با ارتباطاتی که با برخی گروه‌ها برقرار کرد از ایران رفت (گفتنی است در معرفی برخی از علمای همدان از خاطرات مرحوم آیت‌الله عراقچی استفاده شده است).

ادامه از صفحه اول

آیت الله آقا میرزا جواد علیاری پیش از انقلاب در زمانی که در قم بود در تمامی فعالیت های سیاسی حضوری فعال داشته و نام و امضای ایشان در اعلامیه های حوزه نشان از حرکت و فعالیت های گسترده ایشان دارد. در زمانی هم که به تهران آمد در کنار جامعه روحانیت مبارز بود و در تمامی اقدامات انقلابی آن جامعه حضوری فعال داشت و در طول مبارزات سیاسی که به رهبری امام خمینی (قدس سره) آغاز شده بود همچنان نقشی فعال داشت و چندین بار دستگیر و به زندان رفت و پس از پیروزی انقلاب اسلامی هم هیچ شغل اداری را نپذیرفت و به همان کار علمی. دینی خود در مسجد و مدرسه، ادامه داد... و سرانجام در اوایل ماه گذشته، به علت کسالت به رحمت ایزدی پیوست.

... به مناسبت درگذشت والد ایشان مرحوم آیت الله حاج میرزا علی علیاری، مقاله ای نوشته بودم که برای آشنایی با سابقه تاریخی این خاندان علمی بزرگ آذربایجان، خلاصه ای از آن را نقل می کنم:

مقدمه

ارتحال عالم زاهد، فقیه عارف، محقق عالقدر، آیت الله حاج میرزا علی غروی علیاری تبریزی که به حق از استوانه های تقوا و فضیلت و فقاقت و مجسمه اخلاق والای اسلامی در عصر ما بود، حوزه های علمیه و فقهاء و محققین علوم اهل بیت را سوگوار نمود. این فقیه والامقام و عارف وارسته از آخرین شاگردان باقیمانده حوزه استادالمحققین مرحوم آیت الله العظمی نایینی و نواده محقق کبیر مرحوم ملا علی علیاری بود. ... از آنجا که آیه الله علیاری از دوستان نزدیک مرحوم والد ماجد آیه الله حاج سید مرتضی خسروشاهی بود و نگارنده خود در دوران نوجوانی، شاهد دیدارها و ملاقات های مکرر این دو بزرگوار در تبریز بودم، بسیار مناسب خواهد بود که به بخشی از زندگی ایشان اشارتی داشته باشم، اما چون «خاندان علیاری» در خطه آذربایجان ۲۵۰ سال سابقه روحانیت و فقاقت دارند و چند نفر از این خاندان از فقهاء و مجتهدان خدمتگزار شریعت محسوب می گردند و مرحوم علیاری ثمره این شجره علمی کهن سال می باشد، بی مناسبت نخواهد بود که نخست به سابقه علمی این خاندان اشاره ای شود:

۱. آیت الله ملا علی علیاری

نخستین شخصیت معروف علمی خاندان علیاری، حاج ملا علی بن عبدالله علیاری است استاد مدرس، صاحب «ریحانة الادب» درباره ایشان می نویسد: «حاج ملا علی بن عبدالله قراجه داغی دیز ماری علیاری تبریزی از اکابر علمای طراز اول اوائل قرن چهاردهم هجری می باشد که فقیه اصول، محدث رجال، طبیب، نجومی، ریاضی دان، حکیم، متکلم، ادیب، شاعر ماهر، خلاصه جامع معقول و منقول و فروع و اصول می باشد...

تولد وی در سال ۱۲۳۶ ه. ق در قریه سردرود. دو فرسخی تبریز بود و در قریه «علیار» از قرای «دیزمار» از توابع «قرجه داغ» از نوای تبریز اقامت گزید. پس از اخذ برخی از علوم و معارف به نجف اشرف عزیمت و در ارض اقدس به تکمیل معلومات پرداخت و از محضر آیات عظام: شیخ مرتضی انصاری، میرزای شیرازی، میرزا محمد حسین شیرازی، حاج سید حسین کوه کمری، شیخ رازی آل یاسین و شیخ مهدی فتونی موفق به اخذ اجازه اجتهاد گردید و پس از آن به شهر تبریز مراجعت نمود و به تألیف و تدریس مشغول شد. وی علاوه بر درس های معمولی، ریاضیات و «قانون»

ابن سینا را نیز تدریس می نمود.»^۱

شیخ آقا بزرگ تهرانی در موارد متعددی از کتاب خود، به تألیفات مرحوم علیاری اشاره دارد که مهمترین آنها کتاب چند جلدی «بهجة الامال فی

به مناسبت درگذشت آیت الله آقا میرزا جواد غروی علیاری؛

خاندان علیاری



العدالة المستطاب العالم العامل و الفاضل الكامل عمدة العلماء

والمجتهدین الاقا میرزا علی التبریزی علیاری... له التقوی و السداد و الوصول الی اعلالدرجة الجتهاد فله العمل بما استنبط و یحرم علیه التقليد فیما اجتهده من الاحکام الشرعیة فلجنباه ما للمجتهدین الاعلام من حفظ مال الغالب و الایتام و التصرف فی مال الامام علیه السلام و غیر ذلك مما لنؤاب الامام (ع)... و جازله التصدی بوظایف المجتهدین الجامعین للشرايط...»

علاوه بر بیانات ارزشمند فوق، آیات عظام: سیدعلی آقا، میرزا آقا حسینی، سیدعبدالهادی شیرازی و دیگران نیز اجازاتی دادند که نشان دهنده اوج مقام علمی. فقیه مرحوم آیه الله علیاری است.

اقامت در تبریز

مرحوم آیت الله حاج میرزا علی آقا علیاری بنا به درخواست جد بزرگوارش و اهالی تبریز ناگزیر به ترك حوزه علمیه نجف شد، و با وجود آنکه استادانش به اقامت دایم معظم له در تبریز مایل نبودند، وارد تبریز شد و برای همیشه در آن شهر اقامت گزید و به تدریس و تألیف مشغول گردید و ردای ارشاد خلق را بر معروفیت و ریاست و مرجعیت ترجیح داد و حاصل یک عمر پر برکت و سراسر تلاش در حفظ و نشر فقه اهل بیت، تقریرات و تألیفات است که بالغ بر ۵۷ جلد می شود. مرحوم آیت الله علیاری درباره تقریرات و تألیفات خود فهرست وار می گوید:

« آنچه از دروس اساتید به عنوان تقریرات نوشته ام، بدین قرار است:

از آیه الله آقا سیدابوالحسن اصفهانی: طهارت، صلات، مقداری از اصول.

از آیه الله عراقی: زکات، صلح، رهن، قضاء، وقف، غصب، اجاره، بیع، خیارات، مقداری از خمس، منجزات مریض، قواعد و یک دوره اصول.

از آیه الله نایینی: اصول، صلات، مکاسب محرمة، بیع خیارات.

از آیه الله اصطهباناتی: در فقه و اصول مطالبی دارم.

از آیه الله حاج میرزا علی: صوم، صلات، مقدار زیادی اصول.

از آیه الله زنجانی: خلل، قواعد، منجزات، اجتماع امر و نهی.

از آیه الله حجت: مباحث الفاظ، بیع، خیارات.

از آیه الله مشکینی: قضاء و مقدار زیادی اصول (مباحث الفاظ و ادله عقلیه).

واماتاتالیفات، اعم از رساله و کتاب، بسیارند، از جمله: تفسیر قرآن، شرح دعای صباح، شرح دعای کمیل، شرح دعای ابوحمز، شرح دعای افتتاح، علل شرائع، رساله در جریان استصحاب عدمیه، شرح کفایه و شرح رسائل، رساله در خلل، رساله ای در رضاع، شرح استدلالی عروة الوثقی، شرح وسیلة النجاة و...»^۲

فضائل اخلاقی

مرحوم علیاری در علم و فضیلت، فقه و فقاقت، زهد و وارستگی، وقار و سنگینی، تواضع و فروتنی، و سرانجام در پیراستگی از هر نوع هوی و هوس نمونه بارز و مثال راستین بود و به دنیا و مادیات بی اعتنا و بی علاقه بود و عشق و علاقه خاصی به خاندان رسالت داشت. مجموعه این فضائل و خصلت ها از مرحوم علیاری یک قبله امید برای طلاب و علما و اهالی فضیلت دوست تبریز ساخته بود و از این جهت اهالی فضیلت دوست آذربایجان هرگز او را فراموش نخواهند کرد:

اینک در پایان این زندگی نامه کوتاه، پاره ای از نصایح ارزنده این معلم اخلاق و عارف گمنام را نقل میکنیم، به امید آنکه مورد توجه اهل خرد، و عموم اهل علم، قرار گیرد:

ادامه در صفحه بعد

بعدها، یکی از فضلاء توانست از فرزند مرحوم سید یزدی، برایم اجازه بگیرد که روزها از سرداب های مدرسه سید استفاده کنم. روزها پس از نهار، برای استراحت و مطالعه می رفتم آنجا. سرداب ها همه پر بود از طلابی که یا مطالعه می کردند و یا استراحت. تنها یک سرداب، که میوه ها و قوت و غذایشان را می گذاشتند، خالی بود و من در آن جالاستراحت می کردم. خیلی نمور بود، ولی چاره ای نبود. مدتی گذشت تا آن که عنایت خداوند و توجه ابوالاثمه (ع)، شامل حالم گشت و در طبقه فوقانی مدرسه بخارایی، حجره ای پیدا شد و به آن جا منتقل شدم. هشت سال در آن مدرسه بودم. مدرسه خوبی بود، سرداب های متعددی داشت. از نظر استراحت و مطالعه مشکلی نداشتم. از نظر مادی هم بحمدالله خوب بودم. مرحوم جدم، هر سه چهارماه، دویست تومان برایم می فرستاد. عشق به درس و بحث، خیلی از چیزها را از یادم برده بود. از صبح زود تا بعد از نماز مغرب و عشا، یکسره مشغول تحصیل و مباحثه بودم: اول صبح درس مرحوم نایینی در مسجد هندی، بعد از آن درس مرحوم آیه الله محقق زنجانی، بعد درس مرحوم آقاضیاء، پس از آن، درس آقا سید ابوالحسن اصفهانی و عصرها به درس مرحوم آقا سید ابراهیم اصطهباناتی حاضر می شدم.

در خلال این درس ها، از محضر آیات: میرزا ابوالحسن مشکینی اصول و حجت کوه کمری فقه استفاده کردم. در علم رجال از محضر سید ابوتراب خوانساری و معقول از محضر استاد میرزا احمد آشتیانی و عرفان و اخلاق از محضر قطب العارفین، قاضی طباطبایی، بهره ها برده ام. تمامی این درس ها را می نوشتم و روزهای جمعه هر هفته، آنها را پانکویس می کردم.

گاهی، شب ها که خواب می دیدم به تبریز رفته ام، در همان عالم خواب، به شدت ناراحت می شدم که چرا حوزه را ترک کرده ام. وقتی از خواب برمی خاستم، از این که هنوز در حوزه نجف بودم، خدا را شکر می کردم. حاضر بودم پدر بزرگم برایم پول نفرستد، ولی به من اجازه مانند در نجف را بدهد. ولی متأسفانه، ایشان پس از مدتی امر فرمود: باید به تبریز برگردم. حتی حضرات آیات عظام: اصفهانی، عراقی و زنجانی برای ایشان مرقوم فرمودند و خواستند که به من اجازه مانند بدهد، حاضر نشد. ناگزیر به تبریز برگشتم. برگشت من، مصادف بود با زمانی که رضا خان ملعون، روحانیون را خلع لباس می کرد.

در تبریز مشغول تدریس، تحقیق و تألیف شدم. مسلم اگر در نجف مانده بودم. بیشتر می توانستم از محضر اساتید بزرگوار استفاده کنم، ولی «ما کل مایتمی المرأ یدرکه...»^۳ برای درک مقام والای علمی مرحوم آیه الله علیاری، نقل جملاتی چند از اجازه نامه های فقهای عظام یک قرن پیش، می تواند روشنگر باشد:

حضرت آیه الله نایینی می نویسند: «... فأن جناب العالم العامل التقی و المهدب الكامل الصفی ملاذ الانام... الاغاالمیرزا علی آقا التبریزی... و قد حضر ابجائی مدة مدیده و سنین عدیده حتی بلغ مرتبة سامیه من الاجتهاد مقرونة بالصلاح والسداد، وله العمل بما استنبطه من الاحکام علی النهج المتداول...»

آیه الله العظمی اصفهانی نوشته اند: «... قد حضر عندی شطراً صالحاً من الزمان فی ابجائی الفقهیه و الاصولیه حضور فحس و تحقیق و تعمق و تدقیق، و قد حقق و دقق و تعب و کد و جد و اجتهد حتی صار... ممن یشار الیه بالبنان، و بلغ مرتبة الاجتهاد و به الثقة و علیه الاعتماد فله العمل بما استنبطه من الاحکام علی النهج المألوف بین الاعلام و له التصدی للوظایف الشرعیة والتولی لما یتولاه المجتهدون من الامور الدینیة...»

آیه الله آقا ضیاء الدین عراقی مرقوم داشته اند: «... و ممن سعی و اجتهد من تحصیل الاحکام حتی فاز بسعداتی العلم و العمل و نال ملکتی الاجتهاد و

شرح زبدة المقال» در علم رجال است که سه جلد اول آن در شرح «زبدة المقال» منظومه رجالی سید حسین بروجرودی (م ۱۲۷۶ ه) و دو جلد آخر، شرح منظومه رجالی «مُنْتَهی الامام فی علم الرجال» خود وی می باشد که به عنوان تکمیل زبدة المقال مذکور نظم کرده است.^۴

۲. آیت الله حاج میرزا حسن علیاری

یکی دیگر از فقهای برخاسته از خاندان علیاری، آیت الله حاج میرزا حسن علیاری فرزند مرحوم حاج میرزا علی علیاری می باشد. صاحب «علمای معاصرین» شرح حال او را به قلم نوه مکرر ایشان، حاج میرزا علی علیاری این چنین آورده است:

« مرحوم آیت الله حاج میرزا حسن علیاری روز یکشنبه ۲۲ جمادی الثانی ۱۲۶۶ هـ ق در قریه علیار در دوازده فرسخی شهر تبریز متولد گردید، پس از رشد و نما، برخی از علوم نقلی و عقلی را در محضر والد ماجدش، مرحوم حاج ملاعلی مجتهد علیاری فرا گرفت. آنگاه به نجف اشرف عزیمت نمود و از محضر بزرگان آن حوزه، حضرات آیات: فاضل ایروانی، فاضل شریبانی، میرزا محمد علی رشتی، حاج ملا احمد شبستری، حاج میرزا ابوالقاسم حائری نجل صاحب ریاض المسائل، میرزا لطف الله مازندرانی، حاج میرزا محمد علی حکیم الهی مرنندی بهره گرفت. آنگاه به عزم مراجعت به تبریز، از برخی از این اعلام استجازه نمود، ایشان نیز اجازات مفصله اجتهادی و روایتی به او اعطا نمودند از آن میان اجازات مرحوم فاضل شریبانی، حاج ملا احمد شبستری، حاج میرزا ابوالقاسم حائری و آقا ضیاء الدین عراقی و آیت الله اصفهانی موجود است.»^۵

از این فقیه عالقدر، تعدادی کتب علمی و فقهی بجا مانده است. با توجه به یادداشت مرحوم آیت الله نجفی مرعشی آشوری از آن مرحوم باقی مانده، از آن جمله است: اللئالی المخزونة فی تفسیر سورة الکوثر، نظم البرهان فی تفسیر القرآن، بدائع الاسلام فی شرح شرایع الاسلام، مصائب الاپرار، تعلیقه و فرائد و مکاسب و... مجموع تألیفات ایشان به ۲۴ عنوان می رسد.^۶

۳. آیت الله حاج میرزا علی غروی علیاری

یکی دیگر از فقهای برجسته بیت علیاری تبریز مرحوم آیت الله حاج میرزا علی علیاری است در روز ۱۲ ماه رمضان سال ۱۳۱۹ ه. قمری در این خانواده روحانی پا به عرصه وجود نهاد و در ۳ سالگی پدر خود را از دست داد و تحت سرپرستی جد بزرگوار خود مرحوم آیت الله میرزا حسن علیاری قرار گرفت. وی در حوزه تبریز مقدمات را فرا گرفت و پس از تحصیل مراحل نخستین، برای تکمیل آن به نجف اشرف رفت و محضر بسیاری از اساتید بزرگ را درک کرد و به مقام عالی اجتهاد رسید و از طرف آیات و مراجع به دریافت اجازه اجتهاد نایل گردید... اینک شمه ای از زندگی علمی و تحصیلی آن مرحوم را از زبان خود ایشان نقل می کنیم.

«... بنده، علی غروی علیاری، فرزند مرحوم آیه الله میرزا محسن علیاری، در ۱۲ رمضان المبارک ۱۳۱۹ قمری، در تبریز متولد شدم. در سه سالگی پدرم را از دست دادم و تحت تربیت جدم، مرحوم آیه الله میرزا حسن علیاری قرار گرفتم. مقدمات و سطح را در محضر اساتید بزرگوار تبریز، از جمله مرحوم جدم فرا گرفتم.

در سال ۱۳۴۰ ه. ق. در معیت مرحوم آیه الله حجت، راهی نجف اشرف، علی ساکنها آلف التحیه والتحف، شدم. ابتداء در مدرسه مرحوم آیه الله العظمی ایروانی، حجره گرفتم. این مدرسه، به خاطر این که مدت ها تعمیر نشده بود، امکانات کافی نداشت. هوای گرم نجف، شوری آب و شاید هم ناآشنایی بنده به آب و هوای آن جا به شدت مرا می آزد. مطالعه در حجره مدرسه برایم ممکن نبود. روزی چند بار داخل حوض آب می رفتم، تا بتوانم گرما را تحمل کنم و اندکی به مطالعه و تحقیق بپردازم.

مدرسه جبل عامل نمونه دیگری از تشکل‌هایی بود که امام موسی صدر آن را برپا کرد.

این جامعه‌شناس با بیان اینکه مسئله امام موسی صدرانسان بود ادامه داد: به نظری اگر نتوانیم عمل صالح دسته‌جمعی انجام دهیم، امکان ندارد در کار تشکیلاتی موفق عمل کنیم و به یک عمل دسته‌جمعی منظم دست پیدا کنیم. بنابراین پروسه‌ای که ایشان به دنبال آن بودند انسان به دور از فرقه‌گرایی بود.

در ادامه سخنرانان این نشست به پاسخگویی به سؤالات حضار پرداختند. شریف لکزایی در پاسخ به این سؤال که امام موسی صدر چگونه اختلافات درون سازمانی را حل می‌کردند، اظهار کرد: ایشان از شیوه‌های رایج استفاده می‌کنند. مثلاً وقتی به عوام‌فریبی می‌رسند، دموکراسی‌ها و وضعیت موجود انتخابات را نقد می‌کنند اما اگر مجلس‌اعلای شیعیان را به عنوان مهم‌ترین نهادی که امام موسی صدر تأسیس کرده هم در نظر بگیریم، در آنجا سازوکار رأی وجود دارد. بنابراین سازوکارهای معمولی را که برای رفع ناسازگاری‌ها وجود دارد ایشان هم استفاده می‌کردند.

لکزایی افزود: هدف مجلس‌اعلای اسلامی این است که حقوق شیعیان را استیفا کند. بنابراین امام آسیب‌شناسی می‌کنند که چگونه تعامل کردیم و حقوق ما تا چه اندازه محقق شده است و احیاناً چه کاستی‌هایی وجود دارد. در این راستا باید خودسازی صورت گیرد تا خلأهای موجود برطرف شود.

عضو هیئت‌علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در پاسخ به پرسشی درباره دیدگاه ایشان در برابر مخالفان درون‌سازمانی مخصوصاً افراد معتقد و غیرمعتقد به مبارزه مسلحانه گفت: وقتی کاری در حال انجام است، نیازمند فرد یا افرادی است که پایه کار باشند. در این راستا جهت‌گیری و هدف‌یابی می‌شود و افرادی هم برای رسیدن به آن جمع خواهند شد.

وی یادآور شد: بنده در کتاب اندیشه سیاسی امام موسی صدر توضیح داده‌ام که آنچه وی پیگیری کرده و در واقع می‌خواهد کار ناتمام سیدجمال‌الدین اسدآبادی را تمام کند همین تشکل است و به همین دلیل آن را واجب عینی معرفی می‌کند. مسیر امام مسیر گفت‌وگو، تجمیع آرا و اجماع است و اینکه براساس هدف مطلوب طی طریق کنند.

تبریزی پدر بزرگوار آیت الله آقا میرزا جواد، در روز اول اردیبهشت ماه سال ۱۳۷۶ برابر با ۱۲ ذیحجه الحرام ۱۴۱۷ ه. ق. در ۹۸ سالگی در تبریز بدرود حیات گفت و جنازه آن فقیه فقید سعید پس از تشییع در تبریز و تهران، توسط علماء و مردم مسلمان، به شهر مقدس قم منتقل شد و با حضور و شرکت آیات و علما و انبوه طلاب تشییع و در جوار حرم حضرت معصومه به خاک سپرده شد.

پاورقی

۱. ریحانه‌الادب، ج ۴ / ۳ - ۱۹۲؛ بهجة‌الامال، عیاری.
۲. الذریعه، ج ۳ / ۱۶۰.
۳. نقباء‌البشر، ج ۴ / ۱۴۷؛ علمای معاصرین، ص ۹۷؛ اعیان‌الشیعہ، ج ۸ / ۲۸۲.
۴. علمای معاصرین، تألیف ملامحمد علی خیابانی، ص ۱۷۹؛ الذریعه ج ۳ / ۱۵۹، ۱۶۰.
۵. مقدمه غایة‌الامال فی ترجمه‌ صاحب بهجة‌الامال، به قلم مرحوم آیت‌الله آقا نجفی مرعشی، چاپ ایران، کوشانیور.
۶. مجله «حوزه» شماره ۶۳ + ۶۴.
۷. همان

در نشست «بررسی شیوه نهادسازی امام موسی صدر» عنوان شد:

تلاش امام موسی صدر برای تکمیل کار ناتمام سیدجمال‌الدین اسدآبادی

و فرهنگی باید بیشتر بر آن تأکید شود.

وی یادآور شد: نکته دیگری که امام موسی صدر بر آن تأکید می‌کند این است که در تشکل‌ها هدف وسیله را توجیه نمی‌کند. این اقدام هم باعث فروپاشی تشکل و هم ناکارآمدی آن می‌شود. مصادیق مختلفی در سیره ایشان وجود دارد که به این مسئله ملتزم بودند و برای رسیدن به هدف از ابزارهای مشروع استفاده می‌کردند.

لکزایی بیان کرد: مسئله دیگر مخالفت با عوام‌فریبی است. ایشان از همین منظر به دموکراسی‌های موجود هم نقد می‌زنند و معتقدند که آن‌ها عوام‌فریبی می‌کنند؛ بنابراین یکی از الزامات یک تشکل این است که دست به عوام‌فریبی نزنند. البته این موضوع با صداقت هم گره می‌خورد. این اقدامات باعث خودسازی هم می‌شود. در اینجا نیت اهمیت پیدا می‌کند که نیت افرادی که تشکلی را ایجاد می‌کنند چیست.

وی ادامه داد: ایشان می‌فرمایند که نیت یک بخش درونی و یک بخش بیرونی دارد و همانند یک ساختمان است که نیت سازنده آن اهمیت پیدا می‌کند که آیا هدف آن خدمت به مردم یا چیز دیگری است؛ بنابراین همه مواردی که به آن اشاره کردم دارای ارتباط هستند.

عضو هیئت‌علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی اظهار کرد: عدم گرایش فرقه‌ای و فقدان انحصارگرایی موضوعی است که امام موسی صدر تأکید بسیاری بر آن دارند. ایشان می‌خواهند شیعیان در لبنان از محرومیت بیرون بیایند و معتقد هستند که باید خود را تقویت کنیم و این تقویت شدن هم در تشکیلات نمود پیدا می‌کند. ایشان معتقد هستند که شکل‌گیری تشکیلات واجب عینی است و در این زمینه دوری از فرقه‌گرایی اهمیت پیدا می‌کند.

وی گفت: امام موسی صدر جنبش محرومان را تشکیل دادند که منحصر به شیعه نبود و همه مردم لبنان می‌توانستند عضو آن شوند و اهداف و آرمان‌های آن را محقق کنند. نکته دیگری که ایشان به آن اشاره می‌کنند بحث اخلاق است. امام موسی صدر از اخلاق خدایی سخن می‌گویند و اینکه باید این اخلاق در ما شکل بگیرد. ایشان در این بخش از سخنان خود متأثر از حکمت متعالیه است، چون نظرو عمل را از هم جدا نمی‌داند و این همان سخن ملاصدراست.

عضو هیئت‌علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی گفت: در مجلس‌اعلای اسلامی شیعیان

به گزارش ایکننا، نشست «بررسی شیوه نهادسازی و مدیریت تشکیلاتی امام موسی صدر» عصر یکشنبه، ۲۹ مهرماه ۹۷، با سخنرانی شریف لکزایی، عضو هیئت‌علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و استادیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و مجتبی احمدی، جامعه‌شناس و امام موسی صدر پژوه از سوی کانون اندیشه جوان در دانشگاه شهید بهشتی برگزار شد.

لکزایی در ابتدا ضمن تشکر از دست‌اندرکارانی که یاد و نام امام موسی صدر را زنده نگه می‌دارند، اظهار کرد: چون در جمع دانشجویی صحبت می‌کنیم، سعی‌ام بر این است که روشن کنم برای موفقیت تشکل‌های دانشجویی چه الهامی از امام موسی صدر می‌گیریم و این تشکل‌ها باید چه نظامی داشته باشد.

وی ادامه داد: یکی از مهم‌ترین مباحثی که امام موسی صدر درباره تشکیلات مطرح می‌کند هویت‌یابی است. حضور در هر جمعی از جمله تشکیلات دانشجویی نیازمند این است که هویتی کسب کنیم و با آن تابلو شناخته شویم؛ بنابراین با حضور در یک جمع و تشکل، در راستای اهداف مشخص شده‌ای حرکت می‌کنیم و این حرکت به ما هویت می‌دهد. نکته دیگری که باید به آن اشاره کنم این است که با حرکت در درون یک تشکل و انجام اعمال ضروری آن به خودسازی هم دست پیدا می‌کنیم و امام موسی صدر تأکید زیادی بر این مسئله داشتند.

لکزایی افزود: وی مسئله ایمان را نیز به تشکل‌ها ربط می‌دهد و می‌فرماید ایمان به خدا از خدمت به مردم جدا نیست و وظیفه یک تشکل خدمت به مردم است. بنابراین قیام برای خدا خدمت به مردم است و فرد باید به جماعت تبدیل شود. باید از فرد عبور کنیم. اگر قرار است در تشکلی که عضو آن می‌شویم، همچنان همان فرد باقی بمانیم دیگر تشکل معنایی ندارد؛ بنابراین تشکل فرد را به جماعت تبدیل می‌کند.

عضو هیئت‌علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی گفت: از منظر امام موسی صدر نکته بعدی که در تشکل اهمیت دارد بحث صداقت است. عدم صداقت باعث فروپاشی تشکل می‌شود؛ همان‌گونه که عدم صداقت باعث فروپاشی نظام‌های سیاسی می‌شود. بنده قبلاً این را در مطلبی توضیح داده‌ام که صداقت در تشکل تا چه اندازه از منظر امام موسی صدر اهمیت دارد. موضوع صداقت در همه عرصه‌ها اهمیت دارد اما در تشکل‌های دانشجویی

ادامه از صفحه قبل

– تقوا را پیشه خود قرار دهید در نهان و آشکار، که قبولی هر عمل به تقواست «انما یتقبل الله من المتقین».

اهتمام و ورع و زهد از خارف دنیا داشته باشید.

– از معاشرت‌هایی که در آن غیبت دیگران می‌شود و یا به دیگران تهمت زده می‌شود، اجتناب ورزید.

– هدف از حضور در درس‌ها، استفاده‌های علمی و معنوی باشد، نه مادی.

– در نشر و تبلیغ دین و بیان احکام الهی، کوشا باشید.

– از تهذیب نفس، لحظه‌ای غفلت نورزید. در کسب اخلاق خوب، رسول الله (ص) را الگوی خود قرار دهید که: «ولکم فی رسول الله اسوة حسنة»

– همواره در حال تخلیه و تزکیه باشید. تخلیه از افعال قبیح، مانند: ربا، سمعه، کبر، نخوت، غرور و... تخلیه به افعال حسنه مرضیه در پیش خدا و رسول و حجة بن الحسن (عج).

– توصیه می‌کنم به مداومت بر نماز شب و استغفار و احسان در حق مؤمنان، به ویژه اهل علم و برآوردن حوائج دنیوی و اخروی آنان.

– نصیحت می‌کنم همه آقایان و مدرسان را به حفظ مقام و عظمت مرجعیت. در نوشتن رساله شتاب نکنند. در این باره از سیره علمای سلف تبعیت کنند.

لبنان افراد مختلفی از شیعه، سنی، مسلمان، مسیحی، سکولار و... حضور دارند و این نشانه دوری از فرقه‌گرایی است و افراد و سلاقی مختلفی هم در آن جمع می‌شوند.

مجتبی احمدی، جامعه‌شناس و امام موسی صدر پژوه، سخنران بعدی این نشست بود که اظهار کرد: شهید بهشتی از همراهان امام موسی صدر و فردی اصلاح‌گرو تحول‌خواه بودند و حرکت جدیدی را در تاریخ دیانت آغاز کردند. راه امام موسی صدر کاملاً آگاهانه بوده است. ایشان اگر در حوزه می‌ماندند، می‌توانستند یکی از مراجع عظام تقلید باشند. بنابراین ایشان فقط بنیانگذار مجموعه‌ای از تشکل‌ها نیستند، بلکه بنیانگذار یک منش هم هستند.

این صدیژه یادآور شد: مرحوم سیدصادق طباطبایی تأکید داشتند ایشان روشنفکر بودند اما بنده معتقدم امام موسی صدر مجتهد شیعی بودند. در آخرین نوشته ایشان در نشریه لوموند فرانسه یک هفته قبل از سفر به لیبی می‌نویسد که انقلاب اسلامی ندای پیامبران بود و این در واقع آخرین دغدغه وی است. وی خواسته یکبار دیگر به ما نشان دهد دین در ماهیت خود متنی نبوده است که باید آن را فهم کرد. اگر این گونه بود، روحانیت ما وارد اصلاح‌گری نمی‌شد و در حاشیه و انزوا قرار می‌گرفت. بنابراین امام موسی صدر به این نتیجه رسید که دین آن چیزی نیست که تاکنون فهم شده است.

وی اظهار کرد: قرآن می‌گوید غایت دین چیزی غیر از حیات‌بخشی به انسان و نجات وی از ناپسامانی‌ها نبوده است. امام موسی صدر هم معتقد است مسیر انبیای الهی هدایت انسان بوده است و در این مسیر اصالت اجتماعی را مورد توجه قرار می‌دهند و معتقد بودند که سیاست را باید خود مردم اصلاح کنند.

احمدی ادامه داد: روحانیت و فقه‌های ما هم در طول تاریخ به دلیل توجه به اصالت اجتماعی در حفظ کيان ما مؤثر واقع شده‌اند، اما امروزه دولت به فلان مرجع تقلید مراجعه می‌کند که مردم را وادار به انصراف از یارانه کند و این نشان‌دهنده دوری ما از اصالت اجتماعی است.

احمدی گفت: یکی از اولین کارهایی که امام موسی صدر در لبنان انجام دادند این بود که با استفاده از بسیج اجتماعی مشکل تكدی‌گری را برطرف کردند و این در حالی است که ما در ایران در مدل‌سازی اشتباه کردیم. گام‌های دیگری از جمله

سه مدرس معروف نجف بود (ایروانی، شهیدی و مشکینی) و در علم و تقوا عروف، تا مرحوم اصفهانی زنده بود، رساله‌نویشت، تبریز هم که آمده بود، از آقا سید ابوالحسن، ترویج می‌کرد.

استاد ما آقای شیخ اسدالله زنجانی می‌فرمود: «من، در سامره درس مرحوم آیه‌الله آقا سید محمد فشارکی اصفهانی می‌رفتم و عمده استفاده درسی من، از ایشان بود. وقتی فوت کرد، آمدم نجف اشرف. روزها سطح تدریس می‌کردم (لمعه، قوانین و فصول) و عصرها رسائل و مکاسب و طهارت شیخ اعظم... عده‌ای از فضلا آمدند که شما اولاً رساله عملیه بنویسید و ثانیاً به جای سطح، درس خارج شروع کنید، ما هم شرکت می‌کنیم!

گفتم: رفتن به جهنم بر من واجب عینی نشده است!! مراجع بحمدالله بسیارند. علاوه‌گوینده درس خارج زیاد است. نیاز، درس سطح است که مدرس کم دارد.»

خلاصه، سلف صالح ما، در رساله نویسی و پذیرفتن مرجعیت دینی، خیلی دقت داشته و احتیاط کرده‌اند،

حضرت آیت الله حاج میرزا علی غروی عیاری

آقای حاج شیخ خلیل اصفهانی (ره) که از اساتید ما بود در تبریز، می‌فرمود: «چند نفر از تجار تبریز پیش من آمدند، گفتند: ما مقلد آیه‌الله بروجردی هستیم، از ایشان بخواه رساله‌اش را برای ما بفرستد؟ در آن زمان، آیه‌الله بروجردی، در بروجرد بود و مرجعیت مطلقه را آقا سید ابوالحسن اصفهانی داشت. به ایشان نامه نوشتم و درخواست آقایان را مطرح کردم. آیه‌الله بروجردی، در پاسخ نوشت: رساله دادن برای من آسان است، ولی شق عصای مسلمین است. فعلاً، علم اسلام در دست آیه‌الله اصفهانی است. ایشان مرجع علی‌الاطلاق‌اند، صلاح این است که این آقایان، از ایشان تقلید کنند.»

همچنین مرحوم آقا ضیاء، با این که شاگرد مرحوم آخوند بود و همدوره و همدرس آقا سید ابوالحسن اصفهانی، ولی راضی نشد در نجف رساله‌اش را چاپ کنند. شاگرد وی، مرحوم آیه‌الله آقا شیخ حسن علامی، در باختران، رساله آقا ضیاء را چاپ کرده بود. اهالی مشکین‌شهر و اردبیل از آقا میرزا ابوالحسن مشکینی رساله خواسته بودند، ایشان فرموده بود: مرجع علی‌الاطلاق، آقا سید ابوالحسن است، از وی تقلید کنید.

مرحوم آیه‌الله شهیدی، با این که پرورش یافته

آموزه‌های حسینی(ع) جهانی شده است، این نکته را باید از زبان چهره‌های برجسته و دانشمند ادیان دیگر هم بشنویم تا دلمان قرص شود که مسیر اربعین مسیر صحیحی است که دشمن را به وحشت انداخته است.

جورج شکور استاد مسیحی دانشگاه بیروت، شاعر و نویسنده کتاب‌های ادبی و درسی کشور لبنان است که تا به حال دیوان‌های شعر بسیاری از او چاپ شده است، از جمله آثار معروفش می‌توان به کتاب «ملحمة الحسین علیه السلام» یا «حماسه حسین علیه السلام» اشاره کرد. این مجموعه در وصف شهید کربلا حضرت سیدالشهدا امام حسین علیه السلام سروده شده و شاید بتوان گفت این اثر، اولین مجموعه مدون منظومی است که توسط یک شاعر مسیحی در وصف حضرت سیدالشهدا علیه السلام سروده شده است.

جورج شکور در این اثر خود مفاهیم اسلامی در قیام امام حسین علیه السلام مانند عزتمندی و عقلانیت آمیخته با عاطفه انسانی را تحسین کرده است.

خبرگزاری تسنیم در گفتگویی که با این نویسنده و استاد دانشگاه مسیحی انجام داده، ابعادی از راه‌پیمایی اربعین را از منظر مسیحیان مورد بررسی قرار داده است. جورج شکور در این گفتگو تأکید می‌کند که: «اگر عشق به امام حسین علیه السلام نشانه مسلمان بودن است، اعلام می‌کنم که من مسلمان هستم. چون روزهای بسیاری را با یاد و مرور سرگذشت این مرد بزرگ و آزاده سپری کرده‌ام. شب‌های زیادی از خواب بیدار شده‌ام و آرزو کرده‌ام که ای‌کاش من هم در آن سال ۶۱ هجری در این دنیا بودم و همراه امام حسین علیه السلام به میدان کربلا می‌رفتم و تا جان داشتم در راه آرمان‌های الهی او می‌جنگیدم و خون دشمنانش را بر زمین می‌ریختم».

او همچنین در خصوص سانسورهای خبری راه‌پیمایی بزرگ اربعین از سوی رسانه‌های ضداسلامی ابراز عقیده می‌کند: «راه‌پیمایی اربعین را می‌توان به عنوان استودیوی سینمایی دانست که به‌تنهایی بار اطلاع‌رسانی میلیونی و بازسازی تصویر اسلام و مسلمین را در دنیا به دوش می‌کشد که به‌خوبی و به‌بهترین وجه ممکن در برابر فیلم‌های هالیوودی ایستاده و آن‌ها را دروغین و ساختگی معرفی کرده است، به همین دلیل است که دشمنان اسلام از انتشار این خبر بزرگ و نشان دادن چهره زیبا و حقیقی اسلام وحشت‌زده هستند».

***به اعتقاد شما چه عاملی موجب شده که دشمنان اسلام تا این اندازه نسبت به انتشار اخبار اجتماع پرشور مردم آزادی‌خواه جهان در قالب راه‌پیمایی اربعین موضع هراس‌آلود داشته باشند؟**

بازنمایی واژگون هالیوود از جهان اسلام و مسلمانان، سابقه‌ای بیشتر از یک قرن دارد. مطالعه ویژه و معروف جک شاهین به‌روی هزار فیلم سینمای هالیوود و تصویر سیاه و تلخی را که درمجموعه از مسلمانان نشان می‌دهند می‌توان مانند رونمایی یکی از بزرگ‌ترین پروژه‌های خودساخته واژگون در تاریخ سینمای جهان دانست. جک شاهین در بررسی و مطالعه گسترده خود نشان داده است که هالیوود چگونه طی پروژه‌ای صدساله جهان اسلام و جمعیت بیش از یک میلیاردی مسلمانان و به‌خصوص جمعیت شیعیان را با انبوه و انواعی از بازنمایی‌ها بدنام می‌کند.

در مقابل این نوع پروژه‌های ضداسلامی، راه‌پیمایی گسترده و عظیم اربعین علاوه بر اینکه

انواعی از کارکردهای الهام‌بخش و پیش‌برنده را در خود دارد، دارای مزیت‌های مهمی است که تصویر مسلمانان را در نگاه جهان بازسازی و تصحیح می‌کند. این‌که مسلمانان در این راه‌پیمایی بزرگ، بزرگ‌ترین سفره میهمانی را با نهایت خضوع و ادب راه انداخته و از همه مردم دنیا -چه مسلمان باشند و چه غیرمسلمان، چه سفیدپوست باشند و چه سیاه‌پوست، چه مسیحی باشند یا یهودی و بودایی- به‌بهترین نحو ممکن و با جان و دل پذیرایی می‌کنند، مطلبی نیست که هالیوود و سایر دستگاه‌ها و قدرت‌های آمریکایی و اروپایی بتوانند در برابر آن ایستادگی کنند و یا آن را وارون و زشت جلوه دهند.

***می‌دانیم که رسانه‌های ضداسلامی در ایام اربعین، اخبار و اطلاعات این همایش بزرگ و راه‌پیمایی عظیم را سانسور خبری می‌کنند تا مردم کشورهایشان از آن بی‌اطلاع بمانند؛ اما در این شرایط، رویکرد و نظر سیاستمداران و دشمنان بزرگ اسلام در خصوص این اجتماع عظیم اربعین چیست؟**

راه‌پیمایی اربعین به دلیل عظمت غیر قابل‌مثالی که در دنیا دارد، به عنوان بزرگ‌ترین، جالب‌توجه‌ترین، بهترین و زیباترین اجتماع انسانی در طول تاریخ و در همه دنیا شناخته می‌شود.

ناتوانی قدرت‌های استکباری و دشمنان مسلمانان در برابر این اجتماع عظیم از آنجا نشئت می‌گیرد که هیچ‌کسی، حتی ثروتمندترین و سیاستمدارترین شخصیت‌های صهیونیستی توان آن را ندارند که با همه سیاست‌گذاری و ثروت خود، نمونه کوچکی از این راه‌پیمایی عظیم را راه بیندازند، چراکه مردم حاضر در صحنه اربعین، عاشق امام حسین علیه السلام هستند. با وجود اینکه آن وجود مقدس و آن مرد بزرگ را به چشم سر ندیده‌اند، اما بعد از حدود ۱۴۰۰ سال که از شهادت او و یاران بخش می‌گذرد، باز هم دلشان در گروی مهر اوست و درس ادب و اخلاقی را که از آن حضرت آموخته‌اند، طی راه‌پیمایی اربعین برای مردم دیگر و به‌خصوص مردم غیرمسلمان به نمایش می‌گذارند.

درواقع راه‌پیمایی اربعین را می‌توان به عنوان استودیوی سینمایی دانست که به‌تنهایی بار اطلاع‌رسانی میلیونی و بازسازی تصویر اسلام و مسلمین را در دنیا به دوش می‌کشد که به‌خوبی و به‌بهترین وجه ممکن در برابر فیلم‌های هالیوودی ایستاده و آن‌ها را دروغین و ساختگی معرفی کرده است.

*** به هر حال مسلم است که مؤلفه‌های تصویری در رسانه‌های غربی و به‌تعبیر شما فیلم‌های هالیوودی، در کلمات و صفات مشخصی تعریف می‌شوند. به اعتقاد شما چه مؤلفه‌هایی در راه‌پیمایی بزرگ اربعین وجود دارد که توانسته در برابر مؤلفه‌های ساختگی و دروغین دشمنان اسلام قد علم کرده و آن‌ها را از بین ببرد؟**

به عنوان مثال می‌توان به تعبیر غلط دشمن از صفات تنبلی مسلمانان و یا خودخواهی، کشتار و تجاوز به حقوق بشر اشاره کرد، این‌ها مواردی است که دشمنان اسلام در رسانه‌های خود که در کشورهای گوناگون تربیون دارند، تبلیغ می‌کنند. آن‌ها در قالب اخبار، فیلم‌ها و برنامه‌های خود تلاش می‌کنند تا این چهره را از مسلمانان ساخته و به مردم دنیا این‌گونه القا کنند که مسلمانان

اگر عشق به امام حسین(ع) نشانه مسلمان بودن است، اعلام می‌کنم که مسلمان هستم

درباره امام حسین علیه السلام بدانیم. آن طور که اطلاع داریم، شما مسیحی هستید اما کتاب‌هایی درباره پیغمبر اسلام صلی‌الله علیه و آله و برخی از ائمه اطهار علیهم السلام نوشته‌اید. چطور یک نویسنده و محقق مسیحی تا این اندازه نسبت به چهره‌های اسلامی شناخت پیدا کرده است؟

در وهله اول باید با صراحت و به‌طور آشکارا بگویم که اگر عشق به امام حسین علیه السلام نشانه مسلمان بودن است، اعلام می‌کنم که من مسلمان هستم، چون روزهای بسیاری را با یاد و مرور سرگذشت این مرد بزرگ و آزاده سپری کرده‌ام. شب‌های زیادی از خواب بیدار شده‌ام و آرزو کرده‌ام که ای‌کاش من هم در آن سال ۶۱ هجری در این دنیا بودم و همراه امام حسین علیه السلام به میدان کربلا می‌رفتم و تا جان داشتم در راه آرمان‌های الهی او می‌جنگیدم و خون دشمنانش را بر زمین می‌ریختم.

اگر کتابی درباره رسول خدا صلی‌الله علیه و آله، امام علی علیه السلام و امام حسین علیه السلام نوشته‌ام، همگی از مطالعات گسترده در زمینه زندگی و روش و منش این مردان خدا نشئت گرفته است. کتاب‌های بسیاری درباره زندگی ایشان خوانده و تحقیقات زیادی کرده‌ام که زمینه نوشتن کتاب و سرودن اشعاری در مدح این بزرگان شده است. در

واقع این افراد، بهترین و والاترین صفات انسانی را داشته‌اند و الگوی بزرگ و مهمی برای همه مردم دنیا شده‌اند. تفاوتی ندارد که ما مسیحی، یهودی یا مسلمان باشیم، مهم این است که الگوهای انسانی را بشناسیم و روش درست زندگی کردن را از آن‌ها یاد بگیریم.

همان طور که مسلمانان حضرت مریم سلام‌الله علیها و حضرت عیسی علیه السلام را می‌شناسند و از آن‌ها درس پاک‌دامنی، تلاش در راه خدا و بندگی را می‌آموزند، ما مسیحیان هم باید از پیامبر اسلام صلی‌الله علیه و آله و امامان شیعیان درس خوب زندگی کردن را یاد بگیریم.

***مناسب است به عنوان حسن ختام، بخشی از اشعارتان در خصوص قیام کربلا را مرور کنیم.**

مبارزه به پایان رسیده
و جنگ را قهرمانانه انجام داده‌اند؛
آه!

زینب فریاد زد و سخنرانی سرکوب‌گرانه کرد،
به‌گونه‌ای که لشکر دشمن در جا ایستادند
و توقف کردند.

آن چنان سخن گفت
که صخره‌ها گدازه بیرون افکندند
و چنان‌که تیر از کمان بیرون رود،
به سمت سر مبارک برادر حرکت کرد
و لشکر یزید شکسته و وامانده شد.

کربلا! تو سرزمین مصائب و بلاها هستی؟
تو زخمی هستی که گذر زمان هم آن را التیام
نمی‌بخشد

اگرچه تو بهترین گواهی بر مردمان سرآمد خلق
کربلا! هر که در میدان تو شکست خورد، پیروز
است

و هر که پیروز شد شکست خورده، چون معیار
تو عدل است

کربلا! در خود مزاری شش‌گوشه داری که
عاشقانت برای زیارت تو از چهار گوشه دنیا، سراز
پا نمی‌شناسند.

جز خودشان به کسی فکر نمی‌کنند و هر کسی
از غیرمسلمانان را کافر دانسته و آن‌ها را به قتل
می‌رسانند.

این دروغ بزرگی است که مسلمانان و شیعیان در قالب راه‌پیمایی اربعین کذب بودن آن را نشان می‌دهند. آن‌ها نه تنها کسی را به قتل نرسانده و آزار نمی‌دهند، بلکه با خوش‌رویی و محبت غیر قابل‌وصفی از مهمانان مسلمان و غیرمسلمان پذیرایی می‌کنند، به‌خوبی و با مهربانی آن‌ها را به خانه‌های خود و بر سر سفره‌های غذای خود دعوت می‌کنند، آن هم غذایی که شاید خودشان در طول سال کمتر توان مالی برای خوردن آن را داشته باشند، چه کرامت و بخششی از این بالاتر است؟ چگونه دشمن می‌تواند همین مردم آزاده‌خو و بزرگوار را ناقض حقوق بشر و قاتل سایر مردم



معرفی کند؟

***دلیل اینکه راه‌پیمایی اربعین از سوی رسانه‌های ضداسلامی مخابره نمی‌شود همین امر است.**

دقیقاً به همین علت است که دشمنان اسلام نمی‌خواهند مردم ادیان دیگر و سایر کشورها از اربعین حسینی و این تجمع بزرگ شیعیان باخبر شوند. آن‌ها می‌ترسند، وحشت دارند از اینکه مردم دنیا شیعیان را بشناسند، چون آن وقت است که همه متوجه امام حسین علیه السلام می‌شوند، متوجه اتفاقاتی می‌شوند که برای این بزرگ‌مرد روی داد، نهایتش هم این است که مردم دنیا در برابر یزیدیان دنیا قد علم می‌کنند و به هیچ‌کس و هیچ قدرتی اجازه نمی‌دهند فریبشان بدهند و زندگی‌شان را با بهای پوچ، به تباهی بکشانند.

***در عین حال که دشمنان اسلام اخبار اربعین را سانسور می‌کنند و یا آن را به غلط منتشر می‌کنند، شیعیان برای ترویج مفاهیم این راه‌پیمایی عظیم و سرنوشت‌ساز چه مسئولیتی به عهده دارند؟**

از یک طرف مسئولیت بزرگی به عهده رسانه‌های اسلامی است. پیام امام حسین علیه السلام، پیامی جهانی است و در عین حال مختص برهه‌ای از تاریخ نیست، بلکه به همه دوره‌ها و همه انسان‌ها تعلق دارد.

رسانه‌های اسلامی باید به ندای «هل من ناصر ینصرنی» امام حسین علیه السلام پاسخ بدهند، به این صورت که تا آنجا که قدرت و فرصت دارند، مفاهیم عاشورایی را برای مردم دنیا مخابره کنند. فضای اینترنتی فرصت مغتنمی برای رسانه‌های امروزی فراهم کرده است.

خبرنگاران با اخبار و مقاله‌های خود، شاعران و نویسندگان با اشعار و نوشته‌های خود، سخنرانان با گفته‌های خود، نقاشان با نقاشی‌های خود و عکاسان با عکس‌ها و تصاویر می‌توانند مفاهیم عمیق این حقیقت روشن را به دنیا اطلاع بدهند.

***خوب است کمی از شناخت خود شما**

اهداف مشترک و فعالیت‌ها و زندگی مشترک در کنار یکدیگر است. به عبارت بهتر، اقوام در صورت تبدیل شدن به امت است که در طول تاریخ ماندگار شده و توانسته‌اند در زمینه‌های اقتصادی، فکری، اندیشه‌ای و بین‌المللی حضور بهتر، نیرومندتر در جامعه و توفیقات بیشتری داشته باشند؛ از این رو، اسلام از ابتدا بر تشکیل امت تأکید داشته و وحدت و تلاش برای تأمین زیرساخت‌ها و ملزومات آن می‌تواند این آرمان بزرگ را عملی کند.

نکته مهم آنکه امت در اسلام فقط محدود و معطوف به روابط اقتصادی و سیاسی نیست، بلکه مهم آن است که امت سبب تقویت دین و بروز و ظهور آن، هم به صورت کلان و هم به شکل خرد می‌شود، این یعنی اجزا و نقش‌های تربیتی و تدبیری مردم در فضای وحدت پررنگ‌تر و بیشتر است، برای همین هم تشکیل امت به عنوان هدفی بزرگ در اسلام با جدیت دنبال شده و می‌شود.

افزون براین، ایجاد و پروبال دادن به ایمان در قلوب مردم هدف دیگری است که اسلام از مسیر وحدت دنبال می‌کند، چنان که اعراب پس از تشکیل حکومت نزد پیامبر(ص) آمدند، یعنی وقتی جامعه یکپارچه شده بود و به انتظار ایمان نشستند، این یعنی توسعه و اجتماعی شدن ایمان، منوط به تشکیل حکومت و برخورداری از وحدت است و اگر وحدت در جامعه‌ای نباشد، فرصت‌های کافی برای تربیت و ایمان‌افزایی در آن فراهم نمی‌شود.

رسول خدا(ص) در کنار این کارکردها، اهداف دیگری مانند اقامه قسط و عدل را نیز از طریق وحدت مسلمانان دنبال می‌کردند؛ زیرا در جامعه متفرق و بی‌بهره از وحدت و یکپارچگی، امنیت، آرامش و اطمینان معنا و محلی از اعراب نخواهد داشت و وقتی این‌ها نباشد قطعاً عدالت هم رنگ واقعیت نمی‌گیرد؛ بنابراین «وحدت» شرط لازم و مقدمه واجب برای اقامه عدالت است، چون عدالت در فضای مطمئن ایجاد و برعکس در فضای تفرقه و تشتت، ذبح می‌شود.

حجت‌الاسلام دکتر مبلغی: «وحدت» مقدمه اقامه عدالت است

وحدت جامعه است و افراد را متفرق و امت را دچار تشتت و چنددستگی می‌کند و آن‌ها را در برابر هم قرار می‌دهد. بنابراین پیامبر اکرم(ص) حساسیت خاص و برخورد شدیدی در برابر اهل تکفیر داشته که چه بسا در برابر دیگران چنین نبوده‌اند؛ به عبارت دیگر، چون اهل تکفیر مرزها و خطوط قرمز وحدت را زیر پا می‌گذاشتند و مهندسی وحدت را بر هم می‌زدند، پیامبر(ص) برخوردی سختگیرانه‌تر درباره آن‌ها داشتند. این مهم نشان می‌دهد، باید با هر گناه و تلاشی که وحدت جامعه را تضعیف و تخریب می‌کند، برخورد جدی شود.

جهت دیگر آنکه باید اهل تفرقه را «صَم» کنیم، یعنی اجازه ندهیم بروند و از ما دور شوند، چون در این صورت تفرقه و فاصله بیشتر می‌شود؛ این مهم در نظریه وحدت در سیره نبوی یک اصل است و قرآن نیز به آن اشاره دارد. به عبارت بهتر، شاید پرسیده شود اگر مسلمانان با هم برادرند، پس اصلاح برای چیست؟ در پاسخ باید گفت، این برادران در معرض جدایی و تفرقه‌اند، بنابراین باید از آن‌ها حفاظت و صیانت شود و سیره نبوی الگویی برای این مهم است.

دیگر اصول سیره نبوی که می‌تواند مسیر وحدت را هموار و افق دستیابی به آن را روشن‌تر و نزدیک‌تر کند، کدامند؟

از دیگر اصول وحدت در سیره و سنت نبوی، ایجاد پشتوانه‌های اخلاقی برای وحدت است که چندگانه‌اند؛ برای مثال حضرت رسول(ص) بر محبت اجتماعی تأکید داشتند و می‌فرمودند که امت باید یکدیگر را دوست داشته باشند و اصلاً مسیر رفتن به بهشت از مسیر محبت امت به هم، عبور می‌کند (که از روایات در این باره فراوان استفاده می‌شود). همچنین است تأکید رسول خدا(ص) بر اصل تأمین پشتوانه‌های اجتماعی؛ بدین معنا که ما باید در فضا و ارتباطات اجتماعی، اختلاف‌های فکری و مذهبی را دخالت ندهیم، بلکه مناسبات یکپارچه، همزیستانه و مکمل نسبت به هم داشته باشیم و اجازه ندهیم اختلافات فکری و مذهبی به آن سرایت کند.

از این رو، دور ساختن جامعه از دسترس اختلاف‌های فکری و قرار ندادن این اختلاف به مثابه مذاهب و اندیشه‌ها، اهمیت دارد، چنان که تأکید سیره نبوی

قدس آنالین: «وحدت» از مهم‌ترین راهبردهای ملل و اقوام برای حیات و بقا و زیر بار سلطه نرفتن بوده و هر جا تفرقه و تشتت جای آن را گرفته، سرنوشت محتوم جماعتی از انسان‌ها زوال و نابودی بوده است. اسلام هم که آرمان تشکیل امت واحده را در نظر دارد، از همان ابتدای ظهور و آغاز رسالت نبوی بر این نقطه عطف دست گذاشته و سیره نبوی و ائمه معصوم(ع) در این باره، آموزه‌های فراوان دارد. از این رو، با حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر احمد مبلغی، عضو مجلس خبرگان رهبری و رئیس مرکز تحقیقات اسلامی مجلس درباره اصول وحدت در سیره نبوی به گفت‌وگو پرداخته‌ایم.

سنت و سیره نبوی درباره وحدت چه آموزه‌هایی دارد که می‌توان با آن‌ها از مضائب امروز، که یکی از مهم‌ترین آن‌ها تفرقه و پراکندگی مسلمانان است، رهایی یافت؟

اصولاً «وحدت» اصلی زیربنایی - اجتماعی است که اسلام آن را ارائه و ایجاد کرده و جاذبه حداکثری را برای آن قابل شده است و افزون بر توفیقات اجتماعی، توفیق در معنویت و عبادت را نیز متوقف و مترتب بر تحقق وحدت معرفی کرده است و دلایل مهمی را نیز برای آن برمی‌شمارد. از این رو، مرور سیره و سنت نبوی نشان می‌دهد «وحدت» و انسجام جامعه و تألیف قلوب یکی از رسالت‌های پیامبر اسلام(ص) بوده و این در همه سیره نبوی از ابتدا تا انتها به شایستگی آشکار است، بنابراین باید نظریه وحدت و اجتماع در سیره نبوی به صورت دقیق‌تری کشف و ارائه شود.

اصول وحدت در سبک زندگی نبوی چگونه است. رعایت این اصول چگونه می‌تواند برای امروز امت اسلام راهگشا باشد؟

وحدت در سیره نبوی دارای اصولی است که برای دستیابی به آن در جهان اسلام، امروز هم باید آن‌ها را سرلوحه کار قرار داد. یکی از آن‌ها خطوط قرمزی است که مانع تلاش‌های تفرقه‌افکنانه و انسجام‌گریز می‌شود مثل تفکر تکفیر؛ باید توجه داشت تکفیر کردن ذاتاً گناه بزرگی است، اما آنچه موجب شده اسلام حساسیت بیشتری به آن داشته باشد، این است که تکفیر از عوامل ضربه‌زننده به

ظاهر دینی مثل وهابیت، سلفی‌گری؛ داعش و جریان سکولار اسلامی را بر اسلام ناب و واقعی تحمیل کرده‌اند، این سوال مطرح می‌شود که اسلام ناب و واقعی و راهی که پیامبر اسلام بدان تمسک جستند چیست؟ می‌توان به این نکته اشاره کرد که در شرایط کنونی موضوعی که می‌تواند هویت واقعی اسلام را به تصویر بکشد، تمسک به راه و هدف امام حسین علیه السلام براساس حدیث قدسی نقل شده از سوی پیامبر اکرم(ص) است.

حجت‌الاسلام غلامرضا بهروزی لک عضو هیات علمی دانشگاه باقر العلوم گفت: حرارتی که در قلوب مومنان و عاشقان امام حسین علیه السلام وجود دارد باعث شده است که آنها از جای جای دنیا راهی اربعین حسینی شوند، این موضوع نشانگر معنویت نهفته و خدایی در هدف و راه امام حسین علیه السلام است که راهی الهی و هدف والای پیامبر اسلام(ص) را دنبال کرده است.

وی در این باره افزود: بی‌شک در شرایط بحرانی کنونی جهان اسلام، وارد شدن در کشتی نجات امام حسین(ع) می‌تواند هدایت‌گر انسانها برای رسیدن به تعالی بیشتر باشد، بنابراین اولین کارکرد زیارت اربعین تداوم پیام عاشورا و رسیدن به پاسخ این سوال است که حق و باطل چیست؟ چه کسانی بر علیه حق و بر مدار حق حرکت می‌کنند؟ و چگونه

می‌توان در مسیر حق و حقانیت قرار گرفت؟ و آسیب‌هایی مشابه دوران حیات امام حسین علیه السلام و دوران ما چیست؟ پژوهشگر دینی با اشاره به افزایش اتحاد امت

دیپلماسی حسینی؛ عامل تقرب و اتحاد امت اسلامی

حرکت عظیم حسینی در اربعین مستلزم هماهنگی بین دولتهاست؛ دیپلماسی زیارت، نکته کلیدی است که در این عرصه بروز کرده است؛ بنابراین نباید از کارکردهای سیاسی و فرهنگی آن غافل شد؛ دیپلماسی حسینی و زیارت اربعین می‌تواند منجر به ائتلاف بیشتر دولتهای اسلامی و تعمیق روابط سیاسی و نظامی در منطقه شود؛ بنابراین مادامی که دیپلماسی دینی و حسینی در جهان اسلام افزایش داده شود، کار بسیار ارزشمندی صورت داده شده است.

این استاد علوم سیاسی و کارشناس دینی درباره کارکرد مهدوی اربعین حسینی خاطر نشان شد: یکی دیگر از موضوعات ارزشمند اربعین زمینه‌سازی و آماده‌سازی اذهان عمومی برای ورود در آرمان شهر مهدوی است؛ براساس روایات دینی امام زمان(ع) زمانی ظهور می‌کند که نام ایشان بر سر زبانها افتاده باشد از این رو برگزاری اربعین حسینی می‌تواند آماده‌سازی جامعه اسلامی برای ظهور آن حضرت باشد.

بهروزی لک با بیان تاثیر اربعین حسینی در آماده‌سازی ظهور منجی بشریت گفت: بنابر روایات دینی، اولین موضوع در سخنرانی امام زمان(ع) توسل به راه جدشان امام حسین(ع) و انتقام از ظالمان و دشمنان حسینی است؛ بی‌شک برگزاری راهپیمایی اربعین حسینی که اینک در قالب راهپیمایی‌های جهانی شکوه و عظمت خود را به نمایش گذاشته است محملی برای اعلام حضور امام مهدی(ع) و تداوم راه جدشان امام حسین(ع) خواهد بود.

نشریه مرکز بررسی‌های اسلامی

دوهفته‌نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: سیدهادی خسروشاهی

سردبیر: سید محمود خسروشاهی

نشانی: قم / خیابان شهدا (مفانیه) / نبش ممتاز

تلفکس: ۳۷۷۴۱۴۲۳ صندوق پستی: ۱۳۶ چاپ: ولیعصر

سایت‌های مرکز

مرکز بررسی‌های اسلامی: www.iscq.ir

استاد خسروشاهی: www.khosroshahi.org

کلیه شروق: www.ketab.ir/shorough

پست الکترونیکی: besatonline@gmail.com

رهبرمعظم انقلاب:

مسئولان هیچ رازی را از مردم پنهان نکنند

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی صبح دوشنبه ۹۳/۷/۲۳ در ابتدای جلسه درس خارج فقه خود، در توضیح «نامه حضرت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) خطاب به مسئولان و فرماندهان نظامی» (۱) برخی وظایف آنان را برشمردند و این نامه را به مثابه دستورالعملی برای همه مدیران نظام اسلامی دانستند و با اشاره به فرارهایی از این نامه گفتند: درمنطق حکومت علوی اگر کسی به خاطر مسئولیتش دارای امتیاز و احترامی شد، این موضوع نباید اخلاق و رفتار او را با مردم تغییر بدهد و او را از مردم دور کند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای افزودند: مسئولان نظام اسلامی بدانند شکر نعمت مسئولیتشان در این است که به بندگان خدا نزدیکی بیشتری پیدا کنند، با آنان نشست و برخاست کنند و نسبت به آنها مهربانی و توجه بیشتری به خرج دهند.

ایشان سپس به فراز دیگری از این نامه درباره موضوع شفافیت مسئولان پرداختند: «لَا وَارَئَ لَکُم عِندِی أَنْ لَا أَحْتَجِبَ دُونِکُمْ سِوَاَ لَا فِی حَرْبٍ».

ایشان در شرح این فراز از نامه حضرت علی (علیه‌السلام) گفتند: «این نکته بسیار مهمی است: این شفافیتی که حالا سر زبانها است که «آقا شفاف، شفاف»، در کلام امیرالمؤمنین است. بعضی‌ها عادت کرده‌اند هر چیز خوبی که در جامعه اسلامی است را نسبت بدهند به غربی‌ها. واقعاً انسان تعجب می‌کند از کوته‌فکری بعضی‌ها! توجه به مردم، آراء مردم، اهتمام به مردم، می‌گوید «ما از غربی‌ها یاد گرفتیم اینها را»؛... وقتی مراجعه به منابع اسلامی نمی‌کنید، وقتی کلمات امیرالمؤمنین و رسول مکرم اسلام را نمی‌خوانید، بلد نیستید، خب بله، از غربی‌ها باید یاد بگیرید. می‌گویند بعضی‌ها، می‌شنوید که «بله، این شفافیت را هم آنها به ما یاد دادند»؛ نخیر، شفافیت را امیرالمؤمنین یاد داده؛ می‌گوید حق شما بر من - یعنی حق که شما پیش من دارید - [این است که] هیچ رازی را از شما پنهان ندارم، هیچ حرفی را از شما پنهان نکنم، مگر در جنگ و مسائل جنگ و مسائلی که با دشمن طرف هستیم، اینجا نمی‌شود حرفها را زد؛ چون حرف را وقتی که گفتیم، شما شنفتی، دشمن هم می‌شنود. بله در این مسائل حرب - حرب، اعْمَ از همین حرب به اصطلاح نظامی و مانند اینها است - در مسائل امنیتی، در مسائل نظامی، در مسائل گوناگونی که جنگ داریم با دشمن، مقابله با دشمن داریم، بله اینجا جای افشاگری نیست، جای شفافیت نیست، اما در غیر اینها، در مسائل عمومی مردم، آن لَا أَحْتَجِبَ دُونِکُمْ سِوَاَ».

رهبر انقلاب بر این نکته تأکید کردند که: مسئولان جز در موارد نظامی، امنیتی و اموری که با دشمن مقابله داریم، باید شفاف باشند و هیچ رازی را از مردم پنهان نکنند.

۱۴. نامه ۵۰ نهج البلاغه

برخی با انتشار احادیث جعلی برای افکار خود پشتوانه شرعی می‌سازند

و تحقیقی در این زمینه‌ها انجام می‌دهند.

او با تأکید بر این که برای روشننگری در زمینه‌ی این احادیث، باید رسانه‌ها ابزاری در خدمت علما و عالمان باشند، گفت: وظیفه‌ی علمی، تحقیق و پژوهش بر عهده‌ی علما است و رسانه‌ها هم باید از محققان و دانشمندان این فن دعوت کنند تا از طریق این ابزار،

روشننگری‌ها به گوش مردم برسد.

غرویان در پایان تصریح کرد: مردم هم باید مراقب باشند و به هر حدیثی توجه نکنند زیرا یکسری احادیث محرفه وجود دارد و در طول تاریخ، تحریف در اخبار و احادیث، فراوان رخ داده است. اخبار جعلی و اسراییلیاتی معروف در روایات وجود دارند بنابراین مردم نباید به سرعت به ظاهر اعتماد کنند بلکه باید از پژوهشگران و محققان کمک بگیرند.



به امام معصوم می‌رسد یا خیر. همچنین رتبه بندی‌هایی در علم درایت‌الحديث وجود دارد که انواع و اقسام روایات را از حیث اعتبار و سند بررسی می‌کنند و طبقه‌بندی‌هایی دارد. در مجموع این حرکت در جهت ساخت پشتوانه‌ی دینی و شرعی برای افکار و اندیشه‌ها است و جز این هدف دیگری قابل تصور نیست.

این استاد حوزه‌ی علمیه وظیفه‌ی علما و فقها به عنوان حافظ احادیث و اخبار متواتر، معتبر و موثق را بررسی سلسه روات این احادیث از نظر رجالی و ارائه‌ی نتایج آن دانست و افزود: باید روشننگری و افشاگری شود؛ اگر حدیثی از اسراییلیات آشکار شود و اگر حدیثی غیرمعتبر و غیرموثق است، باید در آن زمینه روشننگری کرد. یکی از وظایف علما و بزرگان دینی در عصر غیبت امام زمان، جلوگیری از بدعت‌ها است. همچنین این وظیفه بر دوش نهادهایی است که کار علمی

نهضت عاشورا قربانی خرافات و افراطی‌گری نشود

حجت الاسلام و المسلمین محمود حائری در گفت و گو با خبرنگار ایسنا، عنوان کرد: وجود برخی مسائل در عزاداری‌ها، چارچوب و محتوای عزاداری امام حسین(ع) را دچار تهدید و آسیب می‌کند که مهم‌ترین آن دخیل بودن اغراض شخصی و جهت‌گیری‌های سلیقه‌ای است؛ این مسئله موجب می‌شود که رکن هیئت‌های عزاداری به هر سویی گرایش پیدا کند.

وی افزود: ایجاد شبهات وهابی پسند، بسترسازی اهداف و توطئه‌های استکبارجهانی، نفوذ و بهره‌وری سکولارها، غفلت از بیان و نشر معارف اسلامی، ایجاد دید کاسب کارانه و... همه از عواملی است که اخیراً در بعضی از هیئات مذهبی دیده می‌شود و این به شدت آسیب‌زاست.

حائری با اشاره به آسیب‌رسانی گفتاری در هیئت‌های مذهبی خاطرنشان کرد: گاهی اوقات در هیئت‌های مذهبی مسائلی مطرح می‌شود که به طورکلی با موازین شرعی و حقایق تاریخی، منافات دارد که همه این مسائل سبب تخریب نهضت عاشورا می‌شود؛ تحریف‌ها گاهی به صورت لفظی و برخی مواقع به صورت معنوی صورت می‌گیرد.

وی در رابطه با تحریف‌های معنوی در هیئت‌ها گفت: دروغ گفتن، غلوکردن، بیان سخنان نامفهوم و بدعت‌زا و بی‌اطلاعی از کتب مقاتل، از بدعت‌های معنوی است که گریبان گیر برخی هیئات مذهبی شده است.

حائری با تأکید بر این‌که مراسم‌های عزاداری اهل بیت(ع) ظرفیتی است که در آن قابلیت‌ها و توانایی‌های فراوانی وجود دارد، تصریح کرد: مراسم‌های عزاداری، جایگاهی است که باید در آن امر اهل بیت(ع) احیا شود و اگر این عشق‌ها و محبت‌ها به ائمه(ع) با شناخت، معرفت و در مسیر صحیح نباشد، به حاشیه رفته و به جای اثرگذاری و سازندگی موجب عقب گرد انسان از اصول و مبانی دین می‌شود.

وی در خصوص عزاداری‌های خرافی و افراطی، بیان کرد: خرافه‌پذیری از جمله بیماری‌های واگیردار و صعب‌العلاج در اجتماع بشری است، باید برای پیشگیری آن درمان وسیعی انجام داد. حائری تأکید کرد: خرافات در ذات خود غلوآمیز است و در مراسم‌های عزاداری باعث می‌شود که تصویر حقیقی امام معصوم(ع) مخدوش شود و شیعه به صورت وارونه به دیگران معرفی شود؛ اگر عزاداری‌ها با تحریفات و خرافات مزوج شود موجب وهن دین و مذهب می‌شود.

وی با تأکید بر این‌که، اظهار مطالب موهن

استاد حوزه‌ی علمیه قم و عضو هیات علمی جامعه‌المصطفی‌العالمیه گفت: انتشار احادیث غیرمعتبر یا کم اعتبار و این گونه اقدامات در این راستاست که یک پشتوانه‌ی شرعی برای اندیشه‌ها و افکار خود به وجود آورند.

حجت‌الاسلام والمسلمین محسن غرویان در گفت‌وگو با شفقنا با بیان این که احادیث و اخبار ما یک پشتوانه‌ی دینی هستند، اظهار کرد: هر فردی سعی می‌کند برای اعتباربخشی به ایده‌ها و اندیشه‌های خود از کلمات بزرگان دینی استفاده کند. پیامبران و ائمه‌ی معصومین، شارع هستند یعنی شریعت توسط آن‌ها تعیین می‌شود. انتشار احادیث غیرمعتبر یا کم اعتبار و این گونه اقدامات در این راستاست که یک پشتوانه‌ی شرعی برای اندیشه‌ها و افکار خود به وجود آورند.

او با تأکید بر اینکه البته در نزد فقها هر حدیث و خبری اعتبار ندارد، گفت: باید از نظر رجالی بررسی شود که سلسله سند آن حدیث معتبر است یا خیر و

رونمایی کتاب «اربعین مرثیه»

اینها: آئین رونمایی از کتاب «اربعین مرثیه» شامل برترین سروده‌های هزار سال شعر عاشورایی فارسی که در ۴۴۸ صفحه از سوی انتشارات سپیده‌باوران به چاپ رسیده، مهرماه در بنیاد دعیل خزاعی برگزار شد.

محمدرضا سنگری، از پدیدآورندگان کتاب حاضر در این نشست، بیان کرد: این کتاب تکاپوی عالمانه بنیاد دعیل است. امیدوارم این اتفاق زمینه‌ای برای رویدادهای دیگر در زمینه شعر مذهبی و دینی باشد. اگر قرار باشد سازه هویت‌بخش شیعه را روشن کنیم، هیچ چیز روشن‌تر، فرازمندتر و ترازمندتر از عاشورا نمی‌یابیم. عاشورا همه هستی ماست. این موضوع را در تجربه زیستی معاصرمان بیشتر درک می‌کنیم.

وی افزود: عاشورا برای ما رواترین حادثه و يوم است؛ روا به این معنی که همه حق در آن تجلی پیدا کرده است. هیچ رخدادی در تاریخ اسلام به زلالی و شفافیت تاریخ کر بلا نمی‌یابیم. کر بلا زیبا و زایا است. هیچ رویدادی به زایایی کر بلا نمی‌شناسیم. همچنان می‌سازد و می‌آفریند. کر بلا برای ما اسوه است. در بیان قرآن کریم، پیامبر(ص) و ابراهیم(ع) اسوه هستند، تنها کسی در تاریخ که گفته من اسوه هستم، حضرت اباعبدالله(ع) است. به سبب گرهِ خوردگی و ریشه زدن وجود ما در خون زلال کر بلا، باید همواره به بازشناسی و واکاوی این رخداد عظیم بپردازیم.

رئیس هیات علمی بنیاد دعیل خزاعی در ادامه گفت: هزار سال پیشینه شعر فارسی ما در قلمرو شخصیت‌های بزرگ دارای آثار بزرگی است، اما شاعران به هیچ رویدادی اندازه عاشورا نپرداخته‌اند. لازم بود این آثار شناسایی و جمع‌آوری و ویژگی‌های آن‌ها بررسی شود. اینکه از منظر پژوهشگران شعر امروز، از بین سروده‌های هزار سال گذشته ما، کدام‌ها ممتاز هستند. ابتدا فهرستی از شاعران گذشته تهیه شد که براساس آن نام بیش از ۱۲۰ شاعر استخراج و در جلوی نام هریک یک یا چند شعر ممتاز آن‌ها قرار گرفت.

این نویسنده و استاد دانشگاه تهران، تصریح کرد: در ادامه کار میزان تولید اثر در این زمینه در عصر انقلاب بررسی شد. به لحاظ کمی در ۴۰ سال گذشته، بیش از مجموع هزار سال گذشته‌مان، شعر عاشورایی داریم. از نظر کیفی هم این دوره قابل تامل است.

سنگری ادامه داد: این کتاب می‌تواند زمینه خوبی برای انجام کار مطالعاتی باشد. می‌توان همین کار را در حوزه شعر علوی، فاطمی، رضوی و مهدوی نیز انجام داد. در هیچ روزگاری مثل دوران ما، شعر مهدوی اینطور شکوفا نبوده است. تاریخچه شعر رضوی حتی از شعر عاشورایی قدیمی‌تری است.